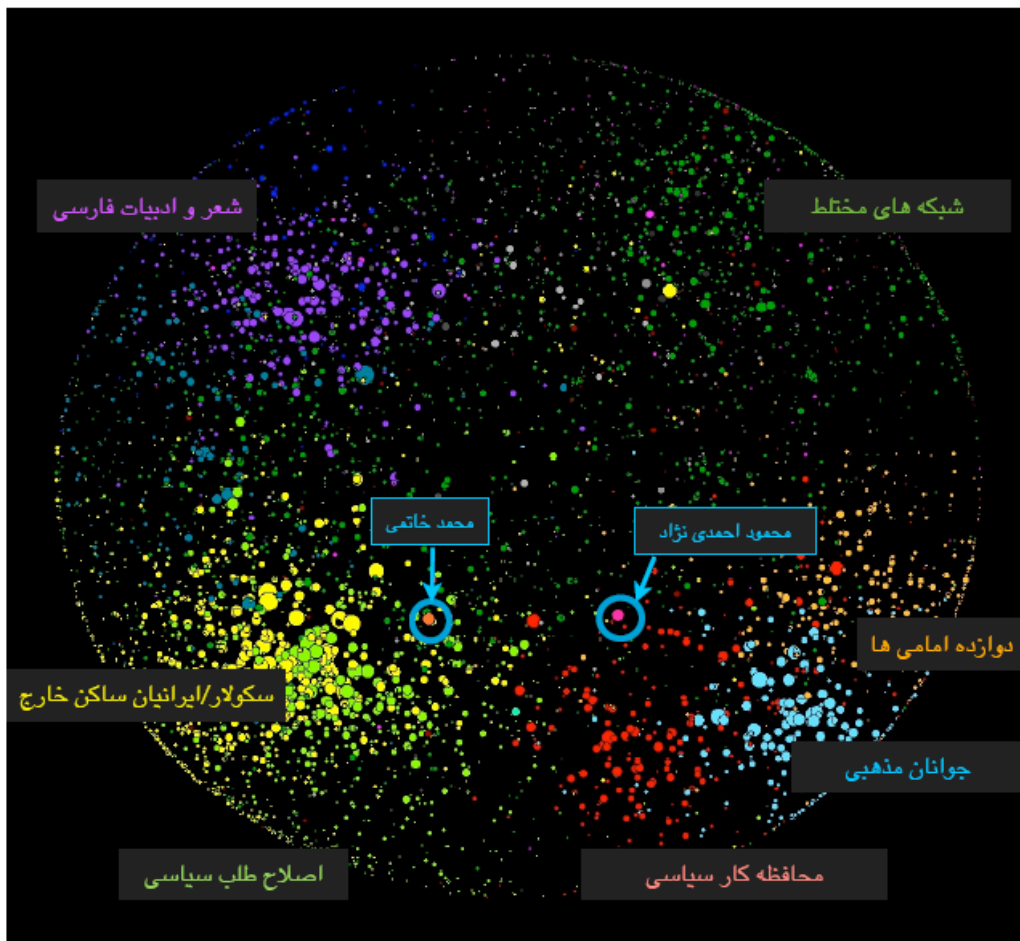


نقشه برداری عرصه مجازی ایران

سیاست و فرهنگ در وبلاگستان فارسی



به همت:

جان کلی و بوروس التینگ

چکیده

در این پژوهش برای تحلیل وبلاگستان ایرانی از ترکیبی از روش‌های نقشه‌برداری محاسباتی شبکه اجتماعی و تحلیل محتوا توسط انسان و رایانه بهره برده‌ایم. معمولاً تصور می‌شود که بیشتر وبلاگ‌نویسان ایرانی جوانان دموکراسی‌خواه منتقد نظام سیاسی هستند، اما طی این پژوهش دریافتیم که طیف گسترده‌ای از وبلاگ‌ها منعکس‌کننده آراء و اندیشه‌های محافظه‌کاران مذهبی، سکولارها و اصلاح‌طلبان هستند و گستره وسیعی از موضوعات از جمله سیاست، حقوق بشر، دین، شعر و ادبیات و فرهنگ عامه را پوشش می‌دهند.

این پژوهش نشان می‌دهد که وبلاگستان فارسی یک فضای عمومی عظیم برای بحث و تبادل نظر است و حداقل شامل ۶۰،۰۰۰ وبلاگ فعال می‌شود که به طور منظم به روز رسانی می‌شوند و مجموعه غنی و متنوعی از وبلاگ‌ها را تشکیل می‌دهند. تحلیل شبکه اجتماعی وبلاگ‌ها حاکی از آن است که وبلاگستان ایرانی متشکل از از چهار قطب شبکه‌ای اصلی است که هر یک زیرمجموعه‌های مشخصی دارند. نام‌هایی که به این چهار قطب اطلاق کرده‌ایم از این قرار است: ۱- سکولار/ اصلاح‌طلب، ۲- محافظه‌کار/ مذهبی، ۳- شعر و ادبیات فارسی و ۴- شبکه‌های مختلط.

قطب سکولار/ اصلاح‌طلب شامل دو گروه ایرانیان مقیم خارج کشور و ایرانیان داخل کشور است که لابه‌لای موضوعات متعدد به بحث در باب سیاست ایران نیز می‌پردازند. قطب محافظه‌کار/ مذهبی شامل سه زیرمجموعه مشخص است. دو زیرمجموعه عمدتاً به مباحث مذهبی می‌پردازند و و زیرمجموعه سوم بیشتر موضوعات سیاسی و اخبار جاری کشور را مورد توجه قرار می‌دهد.

شاید وجود فضای سرکوب سیاسی و رسانه‌ای در ایران و همچنین تهدیدات و دستگیری‌های وبلاگ‌نویسان موجب شود تصور کنیم بازار مباحثات و منازعات سیاسی چندان در وبلاگستان گرم نیست. اما این پژوهش نشان می‌دهد که زیرمجموعه‌ای از وبلاگ‌نویسان قطب سکولار/ اصلاح‌طلب به طور متمرکز به سیاست و امور جاری کشور می‌پردازند و اتفاقاً اکثرشان در داخل ایران زندگی می‌کنند و با زیرمجموعه سیاسی قطب محافظه‌کار نیز گفتگو و منازعه دائمی دارند. برخلاف انتظار، تنها تعداد محدودی از وبلاگ‌نویسان قطب سکولار/ اصلاح‌طلب (حتی در وبلاگ‌های سیاسی‌تر) به طور گمنام یا با اسم مستعار می‌نویسند، در حالی که بسیاری از وبلاگ‌نویسان محافظه‌کار/ مذهبی بدون استفاده از نام حقیقی خود در وبلاگستان ایرانی حضور دارند.

مسدود کردن وبلاگ‌ها توسط دولت نیز بسیار محدودتر از تصور اولیۀ ما بود. بخش اعظم وبلاگستان فارسی در ایران قابل دسترسی است و بیشتر وبلاگ‌های مسدودشده نیز به قطب سکولار/ اصلاح‌طلب تعلق دارند. با توجه به محدودیت رسانه‌ها در ایران، وبلاگستان می‌تواند بازترین فضای ارتباطات عمومی برای مباحثات و منازعات سیاسی باشد. ساختار ارتباطی فردبه‌فرد و غیرمتمرکز وبلاگستان به نسبت ساختار کهنه‌تر و متمرکز رسانه‌های جمعی، در مقابل مصادره و کنترل شدن توسط دولت از خود مقاومت بیشتری نشان می‌دهد.

پروژه اینترنت و دموکراسی

این مطالعه موردی بخشی از مجموعه پژوهش‌های صورت گرفته تحت عنوان پروژه اینترنت و دموکراسی است، که پژوهشی پیشگام (ابتکاری) در مرکز اینترنت و جامعه برکمن است. این پروژه به بررسی اثرات اینترنت بر فعالیت‌های مدنی و فرآیندهای دموکراتیک اختصاص دارد. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://cyber.law.harvard.edu/research/internetdemocracy>.

اولین مطالعات موردی صورت گرفته، دربرگیرنده سه مثال بسیار مطرح از تأثیرات اینترنت بر دموکراسی است. اولین پژوهش، نگاهی دارد به سایت خبری ایجاد شده توسط کاربران، *OhmyNews*، و اثرات آن بر انتخابات ریاست‌جمهوری کره جنوبی در سال ۲۰۰۲. هدف دومین مطالعه، مستند کردن داده‌های موجود پیرامون به‌کارگیری رسانه‌های غیرمرسوم و فن‌آوری تلفن‌های همراه برای نشر اطلاعات و سازماندهی معترضین در زمان انقلاب نارنجی اوکراین است. نهایتاً سومین بررسی به تحلیل وبلاگستان ایرانی و تأثیرات احتمالی آن بر فرآیندهای سیاسی و دموکراتیک آن جامعه می‌پردازد. هدف کلی از این مطالعات اولیه، ارائه توصیفی روایی از پدیده‌های حاکم و فن‌آوری‌های مورد استفاده در هر کدام از این موارد است، تا از آن طریق نتایج اولیه‌ای را پیرامون اثرات عملی فن‌آوری بر پدیده‌ها و فرآیندهای دموکراتیک بدست دهد. به علاوه، سؤالاتی را برای پژوهش‌های بیشتر، پیش روی محققین قرار دهد.

تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله بدین وسیله از همه پژوهشگران فارسی‌زبانی که طی چندین ماه به بازخوانی و کدبندی وبلاگ‌ها پرداختند، و از این طریق دیدگاه‌های ارزشمندی را درباره سیاست، فرهنگ و جامعه ایرانی فراهم آوردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنند. بنا به درخواست خودشان، نامی از ایشان نمی‌بریم. هم‌چنین مرکز برکمن از جان کلی برای همکاری بی‌دریغ‌شان در طراحی پژوهش و روش‌های تحلیل، و نیز مؤسسه پژوهشی مورنینگ‌ساید برای در اختیار گذاشتن اطلاعات مفیدشان از وبلاگستان ایرانی کمال سپاس‌گزاری را دارد. به علاوه، مراتب امتنان و قدردانی خود را نسبت به گروهی از متخصصان ایرانی ابراز می‌داریم، که از آغازین مراحل این پروژه با آرا و انتقادات سازنده خود یاری‌گر ما بودند، از جمله اعضای هیأت علمی مرکز برکمن، کارکنان و همه دست‌اندرکارانی که در طی این پژوهش نظرات خویش را در اختیار ما گذاشتند. هم‌چنین از عباس میلانی در دانشگاه استنفورد صمیمانه تشکر می‌کنیم، که این امکان را برای ما فراهم آوردند تا پژوهش اولیه خود را در کنفرانس پروژه دموکراسی ایران مؤسسه هوور ارائه دهیم، و نیز مراتب قدردانی خود را از نظرات ارزشمند ایشان و دیگر شرکت‌کنندگان ابراز می‌داریم. در پایان، به طور ویژه از جیسون کالینا برای یاری‌اش در ساخت و بهسازی ابزارهای مورد استفاده در کدبندی وبلاگ‌ها، و هم‌چنین از احمد کیارستمی برای فراهم آوردن روش‌های قاعده‌مندسازی متون فارسی که در تحلیل محتوایی رایانه‌ای بسیار مؤثر بود، سپاس‌گزاری می‌نماییم.

فهرست مطالب

۷	۱. مقدمه
۱۱	۲. ساختار وبلاگستان ایرانی
۱۸	۳. شناسایی گرایش‌های سیاسی در وبلاگستان ایرانی
۲۱	۴. صورت‌بندی قطب‌ها
۲۱	قطب شعر و شبکه‌های مختلط
۲۲	قطب سکولار / اصلاح‌طلب
۲۳	قطب محافظه‌کار / مذهبی
۲۴	۵. تحلیل محتوایی
۲۴	کدبندی با کمک نیروی انسانی
۳۲	تناوب کاربرد عبارات و موضوعات
۳۶	تحلیل پیوندهای خروجی
۳۹	۶. فیلترینگ و مسدود کردن وبلاگ‌های ایرانی
۴۳	۷. سیاست و رسانه‌ها در ایران
۴۶	۸. بحث و نتیجه‌گیری

۱. مقدمه

اگر کسی مطالعات مربوط به ایران را دنبال کند، یا پدیده جهانی وبلاگ‌ها را مد نظر قرار دهد، از میان انبوه مقالات، گزارش‌ها و مصاحبه‌ها، با روایتی خاص از این پدیده مواجه می‌شود. آن ماجرای اعتراضات مدنی آن‌لاین در ایران است که کم و بیش می‌توان آن را به شکل زیر بازگفت.

ایران، کشوری با تاریخ و فرهنگی غنی و سطح بالایی از آموزش عمومی است که یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های اجتماعی آن‌لاین را در اختیار دارد (بر اساس برخی از آمارها وبلاگستان ایرانی چهارمین وبلاگستان بزرگ در دنیاست. در آمارهای دیگر به عنوان دومین، سومین و نیز هفتمین وبلاگستان بزرگ از آن یاد شده است). از آنجا که مطبوعات ایران تحت کنترل گروه محافظه‌کاران مذهبی است که در ترکیب ساختار سیاسی نامأنوس ایران ورای نهادهای رسمی منتخب مردم قرار دارد، و به خاطر آن که رویکرد همیشگی این گروه خاموش کردن اعتراضات مدنی است، ایرانیان دگراندیش فضای اینترنت را برای بیان دیدگاه‌های خود انتخاب می‌کنند. آزادی ذاتی موجود در فضای اینترنت (ناشناس ماندن، کنترل غیرمتمرکز و...) این امکان را به جوانان، روزنامه‌نگاران و روشنفکران ایرانی می‌دهد تا آرا و نظرات حقیقی خود را در سطح عمومی منتشر کنند. در وبلاگ‌های این افراد و نیز در فضای گفتگوهای آن‌لاین می‌توان نظرات ایشان را در رد حاکمیت رژیم، کنترل سلطه‌گرانه خشن آن، تحمیل کردن رسوم منسوخ جنسیتی، فساد و بی‌کفایتی ساختار قدرت و در نهایت تردیدهای‌شان را در مورد حقانیت نظام جمهوری اسلامی مشاهده کرد. حکومت، نگران از ادامه این روند، برخورد خود را تشدید کرده است. وبلاگ‌نویسان زندانی شده‌اند، وبسایت‌ها در حال مسدود شدن هستند و فضای مورد استفاده کاربران محدود شده است، اما همچنان فضای اینترنت یکی از بهترین نقاط امیدواری برای ایجاد تغییرات دموکراتیک توسط نیروهای بومی در ایران خودکامه است. اگر وبلاگ‌های ایرانی را مرور کنید، به راحتی در می‌یابید که بسیاری از ایرانیان خواهان تغییرات اساسی در فضای سیاسی و اجتماعی خود هستند^۱.

مشکل اصلی در این ماجرا صحت آمارهای ارائه شده نیست. آنچه بیش از همه چالش‌برانگیز است، اطمینان بیش از حد و بعضاً بی‌اساسی است که تقریباً جز در مورد آمارهای ارائه شده درباره جایگاه وبلاگستان فارسی در سطح جهانی وبلاگ‌نویسی، نسبت به دیگر جنبه‌های این داستان به چشم می‌خورد؛ داستان مردمان شجاعی که در جستجوی آزادی و دموکراسی‌اند. هرچند طبیعتاً افراد زیادی

۱. این دیدگاه عمومی موجود در وبلاگستان ایرانی برگرفته از منابعی است چون "ما ایرانیم"، نسرين علوی (London: Portobello Books, 2005)، مجموعه‌های از وبلاگ‌های ایرانی ترجمه شده، و *NY Times OP-ED* که مدخل زیر را مورد بحث قرار می‌دهد "وبلاگ‌نویسان اکثراً جوان و تحصیل کرده‌اند و چندان از احمدی‌نژاد، که عموماً طرفداران خود را از طبقه فقیر شهری جذب می‌کند، حمایت نمی‌کنند"، و نیز "وبلاگ‌نویسی درباره احمدی‌نژاد در تهران"، تام پارکر (*NY Times, September 30, 2007, Opinion Section*).

علاقه به شنیدن این داستان دارند، اما این همه ماجرا نیست. اگر وبلاگستان ایرانی فضایی است که در آن زنان حقوقشان را مطالبه می‌کنند، جوانان به نقد عملکرد پلیس امنیت اجتماعی می‌پردازند، روزنامه‌نگاران علیه سانسور مبارزه می‌کنند، اصلاح‌طلبان برای تغییر تلاش می‌کنند و مخالفین به دنبال انقلاب هستند، در همین فضا نیز رهبری (ولی‌فقیه) مورد تقدیس و ستایش قرار می‌گیرد، هولوکاست انکار می‌شود، از حزب‌الله تجلیل می‌شود، گروه‌های دانشجویی اسلام‌گرا بسیج می‌شوند و رهبران طرفدار نظام از جمله رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد، می‌کوشند تا حمایت هواداران واقعی خود را در بین عموم ایرانیان جلب کنند. به علاوه، بخش بزرگی از گفتمان مطرح شده در وبلاگستان ایرانی ارتباط چندانی با موضوعات کلیدی مورد تصور یک ناظر خارجی ندارد. دین که از عمده‌ترین موضوعات مورد توجه وبلاگ‌نویسان است، عموماً از جنبه‌های سیاسی‌اش مورد بحث قرار نمی‌گیرد، بلکه بیشتر زمینه‌های تاریخی، نظری و شخصی آن مد نظر است. تاریخ و فرهنگ ایرانی شامل موسیقی، هنرهای تجسمی و البته بیشتر از همه شعر، موضوعات بسیار رایجی هستند. ورزش و سینما نیز موضوعات پرطرفداری هستند. و نهایتاً، همان‌طور که در وبلاگستان آمریکایی نیز دیده می‌شود، تعداد زیادی از وبلاگ‌نویسان راجع به زندگی روزمره خود می‌نویسند که ظاهراً بیشتر جنبه ثبت خاطرات دارد تا نوشته‌هایی با اهداف و تفکرات موضوعی خاص و متمرکز.

بنابراین، چالش اصلی در مورد روایت "اعتراضات مدنی آن‌لاین" آن است که تنها توصیف‌کننده بخشی از شبکه بسیار پیچیده ارتباطات عمومی آن‌لاین است. ارزیابی ماهیت و میزان اثرگذاری این فعالیت، به ویژه در زمینه خطوط فکری دیگر موجود در گفتمان آن‌لاین در ایران، بدون بررسی‌های عمیق‌تر بسیار مشکل خواهد بود. هدف تحقیق حاضر، ارائه چشم‌انداز گسترده‌تری است که شاید تنها یکی از چندین نگاهی باشد که مورد نیاز است، و هم‌چنین معرفی برخی از اصول و مبانی آماری که برای بررسی سؤال‌های پیرامون ارتباط بین فضاهای عمومی آن‌لاین و دموکراسی به کار می‌روند؛ چه در ایران و چه در هر جای دیگر.

بر اساس یافته‌های ما، وبلاگستان ایرانی دربرگیرنده گفتمانی غنی، متنوع و مجادله‌آمیز در زمینه‌های سیاسی است. گستره وسیعی از آرا درباره موضوعات خاص مورد نظر ایرانیان، ارائه شده است. دیدگاه‌های چالش‌برانگیز در موضوعاتی دیده می‌شود که برای جامعه جهانی در اولویت هستند، مثل حقوق بشر، پیشرفت‌های هسته‌ای و البته بیش از این‌ها در مواردی به چشم می‌خورد که اهمیت بیشتری برای ایرانی‌ها دارد، از جمله اقتصاد، مواد مخدر، فحشا و محیط زیست. آن چنان که معمول جوامع دموکراتیک است، به نظر می‌آید دغدغه‌های عمومی راجع به موضوعات داخلی، توجه بیشتری را نسبت به مباحث بین‌المللی به خود اختصاص داده است. نقد سیاست‌های دولت و رهبران سیاسی، حتی در بین محافظه‌کاران رویکردی رایج است. با این حال در میان محافظه‌کاران تفکیک مفهومی روشنی بین "دولت" و "جمهوری اسلامی/رهبری (ولی‌فقیه)" دیده می‌شود. جدای از این پیچیدگی، دیدگاه‌های

سیاسی موجود، در دو پایگاه اصلی دسته‌بندی می‌شوند که به راحتی می‌توان آنها را در ساختار شبکه وبلاگستان ایرانی بازشناخت. به هر طریقی که این دو گروه را نام‌گذاری کنیم، لیبرال و محافظه‌کار، سکولار و اسلام‌گرا، یا اصولگرا و اصلاح‌طلب، این عناوین مبین‌های رسایی برای فضای فرهنگی ایران نخواهند بود. با این وجود، از این طریق می‌توانیم تا حدی به تفاوت‌های موجود بین این دو گروه فکری پی ببریم.

این پژوهش بیشتر بر پایه تحلیل محتوایی وبلاگ‌ها استوار است تا تحلیل کلان شبکه عظیم اجتماعی وبلاگستان ایرانی^۲. شبکه‌ها دارای ساختارهای خاصی هستند که می‌توان آن‌ها را از طریق روش‌های محاسباتی ارزیابی و یا به صورت گرافیکی شبیه‌سازی کرد. شکل هر شبکه که از دل هزاران هزار نوشته فردی و انتخاب پیوندها و ارتباطات توسط میلیون‌ها نویسنده مشخص می‌شود، گرایش‌های گوناگونی را در زمینه سلیق کاربران بازگو می‌کند. پژوهش‌های صورت گرفته بر روی شبکه‌های وبلاگی، حاکی از این است که انجمن‌های آن‌لاین در مقیاس‌های بزرگ، به لحاظ ساختاری در شبکه‌های مترکم‌تر منعکس شده‌اند^۳. به بیان دیگر، وبلاگ‌نویسان از میان دنیایی از گزینه‌های موجود، ترجیحاً به آنهایی که بیشترین جذابیت را برای‌شان دارد، پیوند می‌دهند. بنابراین هر جا که موضوعات مورد توجه یک جامعه مطرح باشد، اغلب، مجموعه‌ای از وبلاگ‌ها نیز وجود خواهد داشت که از طریق پیوندهای متعددی به یکدیگر (و به دیگر منابع آن‌لاین) مرتبط می‌شوند. این پیش‌فرض ساده، دلالت‌های قابل توجهی را در مقیاس یک جامعه، یک ملت، یا یک اجتماع هم‌زبان در پی دارد. درست مانند هر دانه برف، ساختار شبکه وبلاگستان هر جامعه، بازتاب منحصر به فردی از ویژگی‌های خاص فرهنگی، سیاسی و تاریخی آن جامعه خواهد بود. انجمن‌های آن‌لاین مورد علاقه یک جامعه، احزاب اجتماعی و دغدغه‌های اصلی افراد آن قابل شناسایی و ارزیابی است. می‌توان نوشته‌هایشان را بازخوانی کرد و به کمک ترکیبی از بررسی‌های ساختاری و آماری و نیز تفاسیر محتوایی به تحلیل‌شان پرداخت.

به کمک تصویر بدست آمده از پیوندهای موجود در وبلاگستان ایرانی، طی یک بررسی هفت ماهه، ساختار این شبکه را به دو شیوه ترسیم کرده‌ایم. اول، از میان وبلاگ‌هایی که به شکل مترکمی به هم پیوند داده‌اند، گروه‌های با مقیاس بزرگ را در شبکه معین می‌کنیم. دوم، با بهره‌گیری از روش‌های

۲. ما عبارت وبلاگستان ایرانی را در این مقاله به کار برده‌ایم، چرا که توصیف رایج‌تری است از جهان وبلاگ‌نویسان ایرانی، هر چند توصیف دقیق‌تر برای شبکه مورد بررسی ما «وبلاگستان زبان فارسی» است. برای به تصویر کشیدن وبلاگستان ایرانی به شکل جامع خود، نیازمند بررسی زبان‌هایی که در اقلیت‌اند و نیز وبلاگ‌های ایرانی انگلیسی‌زبان هستیم.

۳. جستجو در وب برای شناسایی انجمن‌های الکترونیکی / راوی کوما و همکاران /

WWW8/Computer Networks 31, nos. 11-16 (1999): 1481-1493

در باب تکامل انفجاری فضای وبلاگی / راوی کوما و همکاران /

<http://www2003.org/cdrom/papers/refereed/p477/p477-kumar/p477-kumar.htm>

وبلاگستان سیاسی و انتخابات ۲۰۰۴: تقسیم‌بندی یادداشت‌های وبلاگ‌نویسان / لادا آدمیک و ناتالی گلنس

<http://www.blogpulse.com/papers/2005/AdamicGlanceblogwww.pdf>

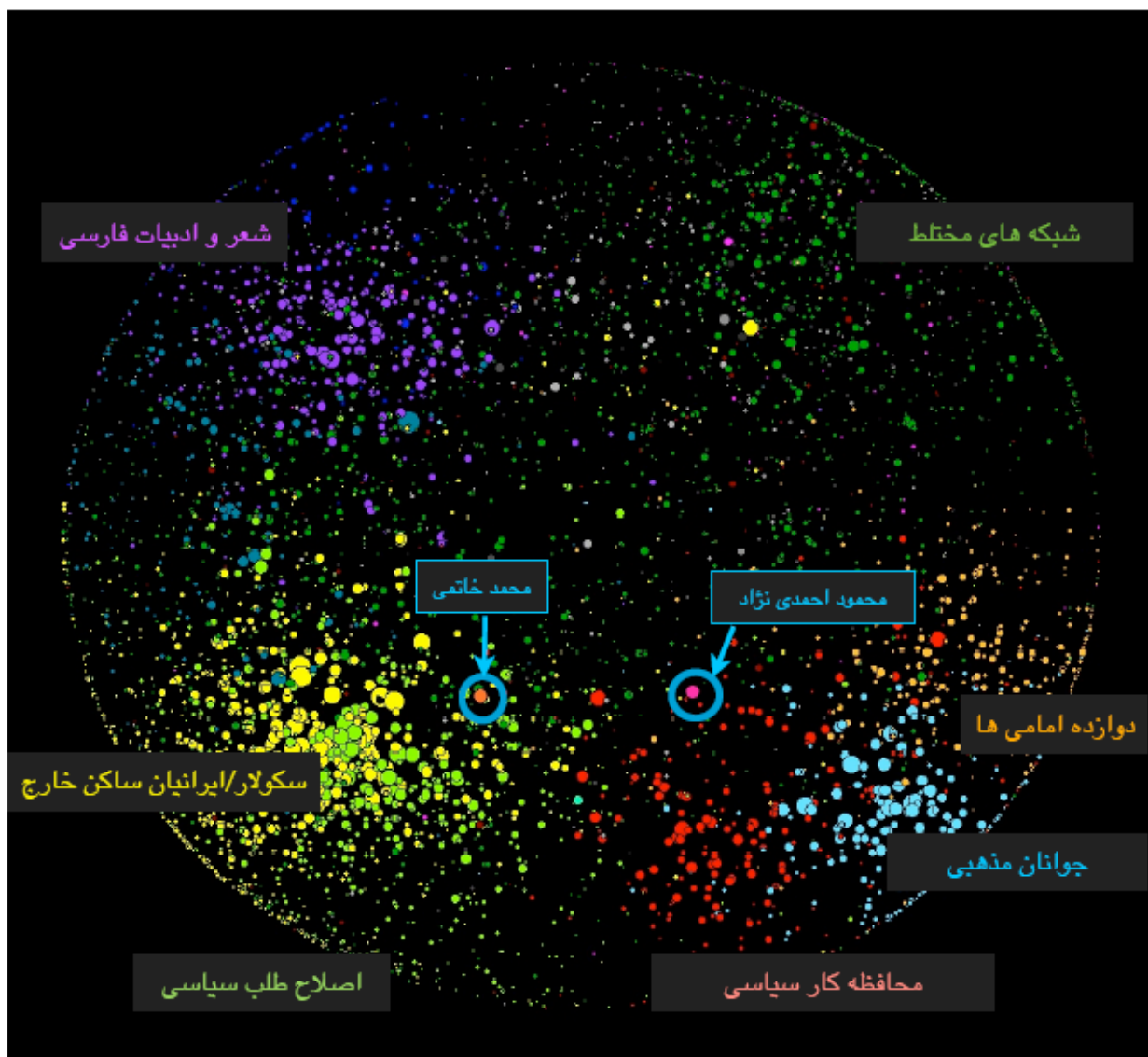
طبقه‌بندی برای تمیز دادن الگوهای موجود در ساختار پیوندهای خروجی این وبلاگ‌ها به دیگر منابع آن‌لاین (و نه فقط وبلاگ‌ها)، به تعریفی از گروه‌های گرایشی وبلاگ‌نویسان می‌رسیم که به خروجی‌های مشابهی پیوند می‌دهند و بدین ترتیب دارای عرصه‌های اطلاعاتی مشترک هستند. برای بدست آوردن تفسیر مناسبی از ساختار فرهنگی و سیاسی وبلاگستان ایرانی، از تحلیل‌های محتوایی گوناگونی بهره گرفته‌ایم. ما با گروهی از فارسی‌زبانان برای بازخوانی و کدبندی صدها وبلاگ - با استفاده از دو پرسشنامه موجود- همکاری کردیم. تناوب به‌کارگیری لغات و عبارات مختلف در نوشته‌های وبلاگ‌نویسان ایرانی مورد تحلیل قرار گرفت. ساعت‌ها زمان صرف گفتگو و هم‌اندیشی با ایرانیان آگاه در زمینه‌های فرهنگی شد، تا ده‌ها وبلاگی را که در نقاط کلیدی نقشه وبلاگستان قرار گرفته‌اند، ده‌ها سایت خبری، نهاد و دیگر منابع آن‌لاینی را که این وبلاگ‌ها به آنها پیوند داده‌اند، مورد تحلیل قرار دهیم. نتایج حاصل، چه به لحاظ کمی و چه از نظر کیفی، شبکه متنوع و گوناگونی از گفتمان آن‌لاین را به تصویر می‌کشد که غنای فرهنگ ایرانی از یک سو، و ردپای مجادلات سیاسی از سوی دیگر، در آن به چشم می‌خورد. قطب‌بندی عمیق ایدئولوژیک و نیز جریان‌های متمرکز سیاسی واضحاً قابل مشاهده است.

دامنه وبلاگ‌نویسان ایرانی دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از افراد است؛ از جمله، اعضای حزب‌الله، نوجوانان در تهران، بازنشستگان در لوس‌آنجلس، طلاب در قم، روزنامه‌نگاران معترض که چند سالی است ایران را ترک گفته‌اند، مهاجرینی که سی سال قبل جلای وطن کرده‌اند، نمایندگان فعلی مجلس، چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب، گروه بزرگی از شاعران و نیز رئیس‌جمهور ایران. در پژوهش حاضر، ما گشت و گذاری در همسایگی‌های مختلف وبلاگستان ایرانی کرده‌ایم و به این پرسش پرداخته‌ایم که آیا این شبکه همگانی اطلاعات و آراء، به نحوی ساماندهی شده است تا پتانسیل‌های دموکراتیک خود را در ایران محقق کند. دولت ایران یک سانسورچی بسیار فعال و پویا در زمینه اینترنت است. جدا از دستگیری وبلاگ‌نویسانی که نوشته‌هایشان بر دولت سنگین می‌آید، حکومت *ISP* ها را تحت فشار قرار می‌دهد تا تعداد زیادی از وبسایت‌ها، از جمله بسیاری از وبلاگ‌ها را مسدود کنند. ما برای مشخص کردن بخش‌هایی از این شبکه که در داخل ایران قابل دسترسی است، یافته‌های *ONI** را ارائه کرده‌ایم. با این همه حکومت ایران شکل معمول یک نظام خودکامه را ندارد. قدرت تماماً متمرکز نیست بلکه در بین تعدادی نهاد اغلب در حال رقابت، تقسیم شده است. انتخابات به صورت رقابتی برگزار می‌شود و نتایج آن واقعی است، هر چند کسانی که امکان رقابت می‌یابند به شدت کنترل شده هستند. با وجود کنترل محافظه‌کاران بر مطبوعات، نقد سیاست‌های دولت و نهادهای رسمی به شکل گسترده‌ای وجود دارد. این نقد اغلب از سوی اعضای رقیب در ساختار قدرت صورت می‌گیرد اما در عین حال با آرای گروه‌های مخالف نیز تا حدی مدارا می‌شود. علی‌رغم این جو سرکوب در ایران، حجم بزرگی از گفتمان

* *OpenNet Initiative*

مجادله‌برانگیز عمومی راجع به سیاست، حداقل در محیط وبلاگستان ایرانی وجود دارد. نتیجه‌گیری نهایی ما مبتنی بر یافته‌هایمان از مطالعه مورد غیرمعمول ایران، و با مد نظر قرار دادن نقش وبلاگ‌ها در زمینه دموکراسی و ارتباطات عمومی خواهد بود.

۲. ساختار وبلاگستان ایرانی



نمودار-۱: نقشه شبکه اجتماعی وبلاگستان ایرانی

نمودار-۱ نقشه شبکه وبلاگستان ایرانی است که هر نقطه در آن نشان‌دهنده یک وبلاگ است. فهم درست این نقشه، کلید درک فضای وبلاگستان ایرانی است. اندازه هر نقطه مبین تعداد وبلاگ‌هایی است که به آن پیوند داده‌اند و معیاری از میزان محبوبیت (مقبولیت) آن وبلاگ است. مکان هر نقطه تابعی است از پیوندهایی که با همسایگانش رد و بدل می‌کند. نمودار با استفاده از الگوریتم "مدل فیزیکی" فراخترمن-رینگولد* کشیده شده است: فرض کنید که یک نیروی سراسری وجود دارد که می‌خواهد وبلاگ‌ها را از هم دور کند، مانند یک باد تند که از پایین نقشه به وبلاگ‌ها می‌وزد. هم‌چنین فرض کنید که یک فنر (یا یک نیروی جاذبه) هر دو وبلاگی را که به هم پیوند شده‌اند، به یکدیگر نزدیک می‌کند. بدین ترتیب وبلاگ‌ها از طریق پیوندهای مستقیم خود، و از آن مهم‌تر به واسطه پیوندهای موجود در همسایگی‌های مشترکشان، به یکدیگر نزدیک خواهند شد. بنابراین، گروه‌های بزرگی از وبلاگ‌ها در قالب صور شبکه‌ای هم‌پیوند و متراکم رده‌بندی می‌شوند. وبلاگ‌هایی که همسایگان مشترک متعددی با هم دارند در نقشه به یکدیگر نزدیکتر خواهند بود، حتی اگر مستقیماً به هم پیوند نشده باشند.

رنگ هر نقطه در نقشه از طریق دیگری تعیین می‌شود. بخش بزرگی از پیوندهای وبلاگ‌ها، پیوند به دیگر وبلاگ‌ها نیست، بلکه پیوندهایی به اخبار آن‌لاین، نهادها، مؤسسات تجاری و منابع متنوع اینترنتی دیگر است. در برخی حوزه‌های وبلاگستان، به ویژه در میان گروه‌هایی که گرایش ویژه‌ای به اخبار و امور جاری دارند، اکثریت پیوندها به مواردی غیر از وبلاگ‌هاست. در نقشه حاضر، هر رنگ بیانگر تعلق یک وبلاگ به یک گروه گرایشی خاص است. این گروه گرایشی، مجموعه‌ای از وبلاگ‌هاست که به منابع آن‌لاین مشابهی پیوند داده‌اند. در تحلیل گروه‌های گرایشی، گستره منابع آن‌لاینی که وبلاگ‌ها به آنها پیوند داده‌اند به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته و وبلاگ‌هایی که صورت‌بندی مشابهی در پیوندهای خروجی‌شان دارند در یک دسته طبقه‌بندی می‌شوند. در ارزیابی‌های رایج برای تعیین میزان اقبال و توجه افراد به رسانه‌های همگانی، از معیارهای "نرم" استفاده می‌شود، که مقبولیت احتمالی یک رسانه یا پیام خاص را به صورت استنتاجی تخمین می‌زند. با در نظر گرفتن آنکه فردی مشترک یک مجله باشد، یا در زمانی خاص تلویزیون‌اش را روی شبکه‌ای خاص تنظیم کرده باشد، محققین احتمال دیده شدن یک تبلیغ خاص را، استنتاج می‌کنند. در وبلاگ‌ها پیوند دادن به یک چیز، معیاری "سخت" (قاطع) از زمینه مورد توجه وبلاگ‌نویس ارائه می‌دهد. به همین خاطر است که در این پژوهش از ارتباط آماری موجود در الگوهای پیونددهی بین تعدادی از وبلاگ‌نویسان، به عنوان ملاکی برای تمیز دادن گروه‌های گرایشی استفاده شده است. الگوهای مشخصی از زمینه‌های مورد توجه وبلاگ‌نویسان در شبکه به چشم می‌خورد. همسایگی‌های شبکه‌ای و گروه‌های گرایشی عموماً تا حد زیادی با هم همپوشانی دارند، اما لازم به ذکر است که این دو مفهوم، بیانگر دو ماهیت متفاوت (هر چند مرتبط) هستند. مفهوم اول نمایانگر پیوندهای مستقیم بین وبلاگ‌نویسان است، بدین معنی که در فضای خبری آن‌لاین چه کسی

* Fruchterman-Rheingold

به چه کسی نزدیک است. دومین مفهوم بیانگر پیونددهی در اینترنت در یک مقیاس کلی است، یعنی بر اساس داده‌های آماری، چه کسانی سوپه مشابهی در دیدگاه‌های خود دارند.

رویکرد تحلیلی این پژوهش بر این مبناست که یک ساختار کلان، برخاسته از تمایلات افراد به پیونددهی مکرر به مواردی است که برایشان جذابیت دارد. این پدیده تعمیمی از رفتارهای اجتماعی شناخته شده در دیگر زمینه‌های علوم اجتماعی، در کاربردهای وبلاگ‌نویسی است. در جامعه‌شناسی منابع فراوانی راجع به دگردوستی - تمایل کنشگران اجتماعی به برقراری ارتباط با دیگر افراد مشابه - وجود دارد.^۴ بررسی‌های صورت گرفته در زمینه علوم ارتباطات، فرآیندهای پیچیده‌ای را از "مواجهه انتخابی" شناسایی کرده‌اند، که از طریق آن افراد بر اساس اعتقادات و علاقه‌مندی‌های پیشینی‌شان رسانه‌ای را برای مراجعه برمی‌گزینند، آنچه را که با آن مواجه می‌شوند تعبیر و تفسیر می‌کنند، و نهایتاً این تجربه را به خاطر می‌سپارند یا فراموش می‌کنند.^۵ رفتارهای کاربران در فضای آن‌لاین، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه متأثر از سلايق و علاقه‌مندی‌های آنهاست. در وبلاگستان، این اولویت‌ها خود را در قالب انتخاب مطالبی که خوانده می‌شود، راجع به‌شان نوشته می‌شود، به‌شان پیوند داده می‌شود و یا درباره‌شان نظر داده می‌شود، نشان می‌دهد. حاصل این رفتار آن‌لاین یک شبکه گفتمانی است، که در قالب مجموعه‌ای عظیم از متون و پیوندهای درون‌متنی که توسط میلیون‌ها کاربر ایجاد شده و در هزاران سرور جهانی اینترنت ذخیره شده است، به راحتی می‌تواند مورد مطالعه تجربی قرار گیرد. با ترسیم نقشه این شبکه و استفاده از آن برای شناسایی عملکرد ارتباطی وبلاگ‌نویسان، چیزی شبیه ام.آر.آی مغزی از جامعه مورد بررسی خواهیم داشت.

وبلاگستان ایرانی از چهار ساختار شبکه‌ای عمده تشکیل شده که هر کدام ویژگی‌های ساختاری و اجتماعی جالب توجه خود را دارند. به استثناء محمود احمدی‌نژاد که حجم قابل توجهی از مطالب را به خود معطوف کرده است، اکثر بحث‌های صورت گرفته از سوی نهادهای غربی (دانشگاه‌ها، مجامع فکری و نهادهای خبری) راجع به وبلاگستان ایرانی، معطوف به وبلاگ‌نویسانی است که تنها در یکی از این چهار ساختار دیده می‌شوند؛ گروه بزرگی متشکل از ایرانیان ساکن خارج و اصلاح‌طلبان و دربرگیرنده انتقادهای رایج از رژیم حاکم ایران و اصول و فلسفه سیاسی آن. در اغلب موارد تشخیص محل سکونت یک وبلاگ‌نویس بسیار دشوار است، به ویژه به این دلیل که وبلاگ‌نویسان چه در داخل و چه در خارج

۴. "پزندگانی از یک گونه: دگردوستی در شبکه‌های اجتماعی" / میلر مک‌فرسون، لین اسمیت-لووین و جیمز.م. کوک / *Annual Review of Sociology* 27 (2001): 415-445

۵. "مواجهه انتخابی با اطلاعات" / دیوید.آ. سیرز و جانان.ان. ل. فریدمن / *Public Opinion Quarterly* 31 (1967): 194-213

نیز نگاه کنید به "بررسی‌های جدید در مواجهه انتخابی با اطلاعات" / دفری / *Advances in Experimental Social Psychology*, Vol. 19, ed. L. Berkowitz, (New York: Academic Press, 1986) و همچنین "مواجهه انتخابی و فرضیه تقویت: بررسی گروهی مبارزات انتخاباتی ریلست جمهوری ۱۹۸۰" / س.و. کافی و ی. میوا / *Communication Research* 10 (1983): 3-36.

از ایران، از سرویس‌های میزبانی فارسی‌زبان یکسانی استفاده می‌کنند. با این وجود بررسی ما نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از وبلاگ‌نویسان فعال در مجموعه‌ای که عموماً به عنوان "وبلاگستان ایرانی" شناخته شده، در ایران زندگی نمی‌کنند. به نظر می‌آید که وبلاگ‌ها در سه گروه دیگر منحصراً توسط افرادی که در داخل ایران به سر می‌برند، نوشته می‌شوند و بازتاب‌دهنده گستره‌ای از علاقه‌مندی‌ها و دغدغه‌های گوناگون هستند. این وبلاگ‌ها توسط بررسی‌های ما شناسایی و در بخش‌های مشخصی از نقشه جای می‌گیرند.

در این مقاله برای نام‌گذاری چهار حوزه اصلی وبلاگستان ایرانی که در چهار گوشه نقشه شبکه اجتماعی دیده می‌شوند، از واژه "قطب" استفاده کرده‌ایم. در این شبکه پیچیده، هر قطب ویژگی‌های ساختاری خود را داراست که به نوبه خود منعکس‌کننده ویژگی‌های مهمی از اجتماعات وبلاگ‌نویسانی است که در این بخش‌ها فعال هستند. بررسی‌های گوناگون ما جنبه‌های مختلف یک روند مشابه را بازگو می‌کند. در ادامه نگاهی دقیق به این جنبه‌ها خواهیم داشت اما در ابتدا، به طور خلاصه، چهار قطب وبلاگستان ایرانی را معرفی می‌کنیم:

(۱) سکولار/اصلاح‌طلب (شامل سکولار و اصلاح‌طلب سیاسی در نمودار-۱): این بخش دربرگیرنده مشهورترین وبلاگ‌نویسان ایرانی است؛ از جمله مخالفان و روزنامه‌نگاران سرشناسی که در سال‌های اخیر ایران را ترک کرده‌اند، و نیز منتقدان حکومت و ایرانیان ساکن خارج که مدت‌ها قبل ترک وطن گفته‌اند.

(۲) محافظه‌کار/مذهبی (شامل محافظه‌کار سیاسی، جوانان مذهبی و دوازده امامی‌ها در نمودار-۱): این بخش معرف وبلاگ‌نویسانی است که عمیقاً از انقلاب ایران، فلسفه سیاسی اسلام‌گرایانه و بنیان‌های اساسی اعتقاد شیعی دفاع می‌کنند.

(۳) شعر و ادبیات فارسی (شعر و ادبیات فارسی در نمودار-۱): سومین ساختار عمده در وبلاگستان ایرانی عمدتاً به شعر، به عنوان گونه‌ای مهم از نمود فرهنگ ایرانی، و نیز دیگر زمینه‌های گسترده ادبی اختصاص دارد.

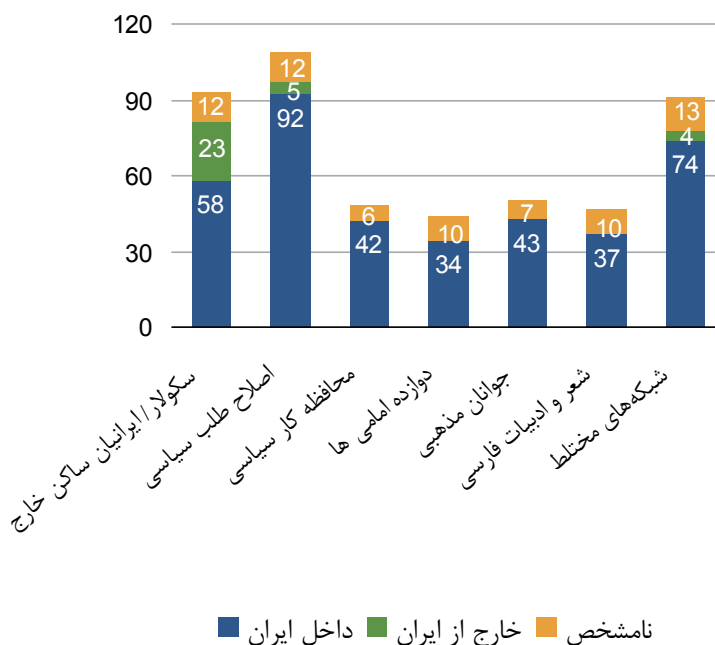
(۴) شبکه‌های مختلط (شبکه‌های مختلط در نمودار-۱): چهارمین گروه از وبلاگ‌ها، دارای ساختاری آزادتر، با تمرکز کمتر است و از این جهت از سه گروه فوق متمایز می‌شود. این گروه نمایانگر هیچ رویکرد یا ایدئولوژی به‌خصوصی نیست، بلکه به جای آن شامل انبوهی از انجمن‌های کوچکتری از علاقه‌مندی‌ها و شبکه‌های اجتماعی است؛ نظیر گروه‌هایی که پیرامون موضوعات ورزشی، چهره‌های مشهور، اقلیت‌ها و رسانه‌های پرتعداد دیده می‌شوند.

هرچند که هر یک از این چهارگوشه وبلاگستان ایرانی تعبیر و تفسیر خاص خود را می‌طلبند، اما می‌توان برخی دیدگاه‌های کلی را بر مبنای اطلاعات اولیه بدست آمده از وبلاگ‌نویسان گروه‌های اصلی استخراج کرد. قطب‌های سکولار/ اصلاح‌طلب و محافظه‌کار/مذهبی هر کدام شامل زیرگروه‌هایی هستند که در جمع‌آوری اطلاعات اولیه پیرامون موقعیت مکانی، جنسیت و وضعیت گمنامی وبلاگ‌نویسان، به صورت مستقل از هم دسته‌بندی شده‌اند. در ادامه به توصیف جزئی‌تر این زیرگروه‌ها خواهیم پرداخت، اما برخی تفاوت‌های اساسی میان آنها را در همین اطلاعات اولیه می‌توان مشاهده کرد. این اطلاعات حاصل فعالیت پژوهشگرانی است که با بازخوانی وبلاگ‌های نمونه‌برداری شده از هر گروه، قضاوتی را راجع به پارامترهای فوق انجام داده‌اند و در بسیاری از موارد اطمینان لازم را برای تعیین دقیق آنها بدست نیاورده‌اند. وضعیت "نامشخص" در نمودارها مربوط به این موارد است. برخی از این مشاهدات به قرار زیر است:

• موقعیت مکانی (نمودار-۲)

به استثناء گروه اول (سکولار/ ایرانیان خارج از کشور)، که دربرگیرنده تعداد قابل توجهی از وبلاگ‌نویسان ایرانی خارج از کشور است، اکثریت غالب وبلاگ‌نویسان در ایران زندگی می‌کنند.

موقعیت مکانی

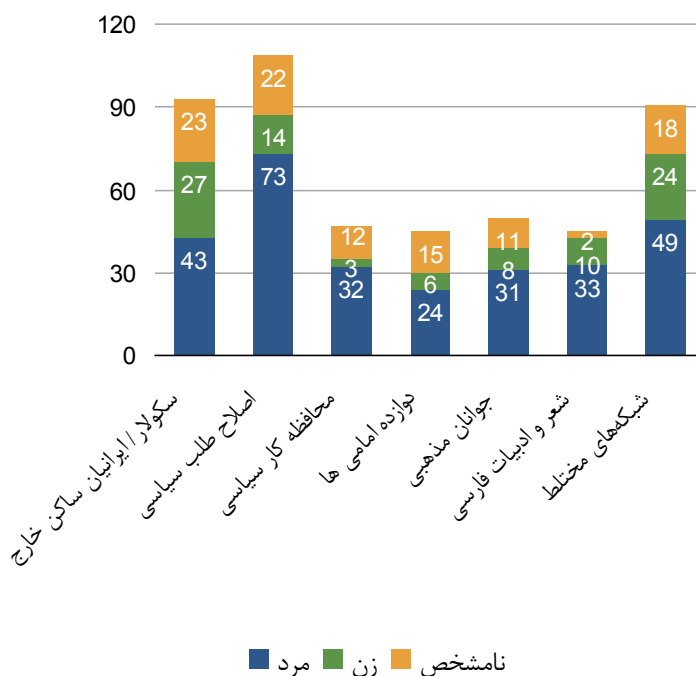


نمودار-۲

• جنسیت (نمودار-۳)

اکثریت وبلاگ‌نویسان در همه گروه‌ها مرد هستند، اما برخی گروه‌ها شامل اقلیت بزرگی از زنان می‌شوند؛ به ویژه گروه‌های سکولار/ ایرانیان ساکن خارج و شعر و ادبیات فارسی و در مقیاس‌های کوچکتر گروه شبکه‌های مختلط و نیز زیرگروه دوازده امامی از قطب محافظه‌کار.

جنسیت



نمودار-۳

• وضعیت گمنامی (نمودار-۴)

پراکندگی جالبی در موازنه بین تعداد وبلاگ‌نویسانی که تحت عناوینی که به نظر می‌آید نام‌های واقعی‌شان باشد و وبلاگ‌نویسانی که به صورت گمنام یا با اسامی واضحاً مستعار فعال هستند، وجود دارد. فرضیه اولیه ما این بود که وبلاگ‌نویسان سکولار/ اصلاح‌طلب، به خصوص آنهایی که در ایران زندگی می‌کنند، بیشترین گرایش را برای فعالیت به صورت ناشناس دارند. اما

خلاف آن صادق است. وبلاگ‌نویسان محافظه‌کار و نیز شبکه‌های مختلط به شکل بسیار گسترده‌تری به صورت گمنام فعالیت می‌کنند. و تنها گروه شاعران هستند که بیش از همه متمایل به استفاده از اسامی واقعی‌شان هستند.

وضعیت گمنامی

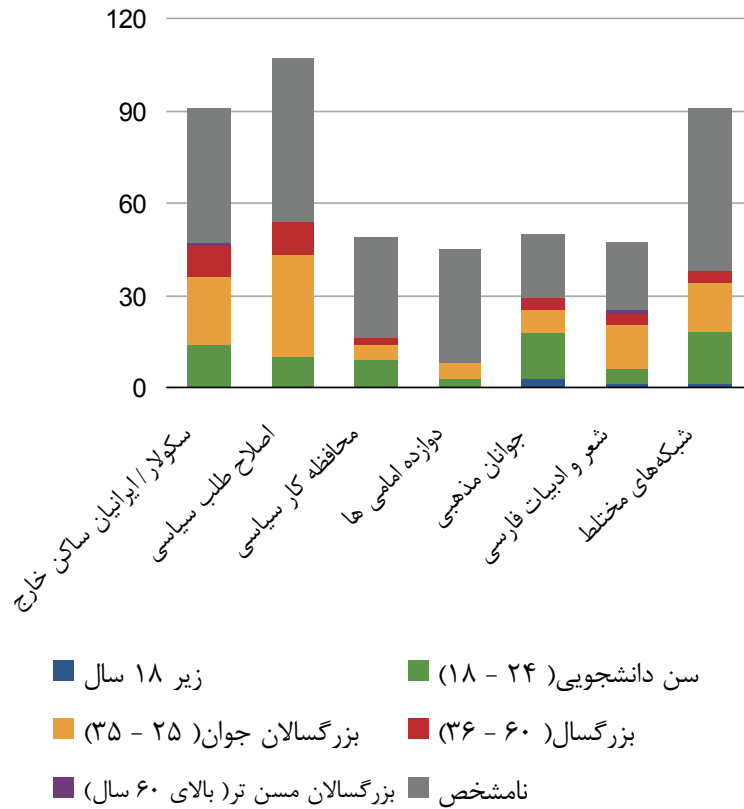


نمودار-۴

• سن (نمودار-۵)

پژوهشگران عموماً قادر به تخمین سن وبلاگ‌نویسان نبوده‌اند و در نتیجه اطلاعات این بخش تا حد زیادی غیر موثق است. با این وجود پژوهشگران در طی مباحثات کیفی پیرامون محتوای وبلاگ‌ها، مکرراً با مشاهداتی روبه‌رو شدند که تأییدکننده این برداشت کلی بود که قطب محافظه‌کار، و به طور اخص گروه جوانان مذهبی، دربرگیرنده وبلاگ‌نویسانی است که به طور میانگین از دیگر افراد فعال در سایر بخش‌ها جوان‌ترند.

سن



نمودار-۵

۳. شناسایی گرایش‌های سیاسی در وبلاگستان ایرانی

هدف این پژوهش ارزیابی اهمیت وبلاگستان ایرانی به لحاظ سیاسی است. بر اساس یک تصور رایج "همه چیز سیاسی است"، اما در این صورت واژه "سیاسی" به گونه‌ای تعریف می‌شود که به مفاهیم انتزاعی و غیرعملی نزدیک‌تر است. در هر حال، این اصطلاح ما را یاری می‌کند تا در گستره گفتمان "سیاسی" که از یک سو به تعریف و بازشناسی واقعیت‌ها و ارزش‌های جمعی می‌پردازد و در سوی دیگر

نظر به اعمال قدرت دارد، قطب مورد توجه خود را متمایز کنیم. در جانب ارزش‌ها، ساختارهای نمادین هویت‌های جمعی مورد بحث قرار می‌گیرد: ما که هستیم، حق چیست، از میان ما چه کسی خوب و چه کسی بد است، چه کاری بایسته ماست؟ در مورد ایران، این بحث یک منازعه فرهنگی گسترده بین دو ایدئولوژی سکولار و مذهبی است که راجع به هزاران موضوع مختلف اتفاق می‌افتد، مثل پوشش زنان، ماهواره، موسیقی پاپ، یادمان جنگ ایران و عراق، اعدام، ازدواج‌های موقت، وقایع و برداشت‌های تاریخی، و عشق و روابط عاشقانه. در جانب قدرت، بحث‌ها معطوف به تصمیم‌گیری‌های حکومتی است: دولت باید چه سیاست اقتصادی‌ای را اتخاذ کند، چه کسانی باید برای نمایندگی مجلس انتخاب شوند، آیا فلان مقام دولتی عملکرد مناسبی دارد، آیا ما باید غنی‌سازی اورانیوم را ادامه دهیم؟ در عمل، استدلال‌ات درباره ویژگی‌های عملکردی حکومت‌داری به ارزش‌های انتزاعی ارجاع داده می‌شوند و متناظراً مفاهیم انتزاعی نیز با ارجاع به واقیتهای عملی مورد قضاوت قرار می‌گیرند. اما در هر جامعه‌ای گفتمان وسیع‌تری درباره تعبیر و تفسیر واقعیات و هنجارهای جمعی وجود دارد که ما آن را "سیاست فرهنگی" می‌نامیم، و نیز یک گفتمان متمرکز درباره قوانین، سیاست‌ها، انتخابات و نهادهای رسمی حکومتی وجود دارد که می‌توانیم آن را "سیاست قدرت" بنامیم. در ایران نیز همانند آمریکا، این دو گفتمان عمیقاً در هم تنیده‌اند و عرصه عمومی، "منازعات فرهنگی" و نیز مباحثات درباره "سیاست‌های عملی" را دربردارد. آمریکایی‌ها به بحث راجع به تغییر و تکامل روش‌های آموزشی در مدارس و نیز درباره ساختار تأمین اجتماعی می‌پردازند؛ ایرانیان درباره حجاب (پوشش مناسب زنان) و یارانه‌های بنزین بحث می‌کنند.

در بیشتر کشورهای خودکامه، منازعات درباره سیاست‌ها و تصمیم‌های خاص کشوری اغلب به دور از منظر عمومی جامعه اتفاق می‌افتد. در مقابل، در اغلب کشورهای دموکراتیک، استدلال‌ات و شواهد مختلف در دفاع از جنبه‌های مختلف هر موضوعی برای جلب نظر افراد جامعه، در عرصه عمومی به رقابت گذاشته می‌شود. در حالت اول گفتمان سیاسی عمومی با محدودیت‌های زیادی مواجه می‌شود. در حالی که در قسم دوم، تنها عامل محدودیت میزان توجه عموم افراد یک جامعه است. فعالان سیاسی برای هر موضوعی از بزرگ‌ترین تریبون‌های ممکن و در دسترس بهره می‌گیرند تا صدای خود را به گوش شهروندانی برسانند که غالباً کم‌وبیش درگیر مشغولیت‌های زندگی روزمره می‌باشند. در یک جامعه دموکراتیک، برای هر تفکر و موضوعی مدافعان و طرفداران فراوانی وجود دارد. وبلاگستان ایرانی نیز مملو از مدافعان در همه عرصه‌های موجود است.

با اینکه به واسطه شبکه‌های گسترده ماهواره‌ای و روزنامه‌های کم‌دوام گاه‌گاهی، روحانیون محافظه‌کار انحصار و تسلط همه‌جانبه در عرصه رسانه‌های همگانی ندارند، اما اصلاح‌طلبان سیاسی و جوانان نواندیش نیز تسلط به مراتب کمتری بر فضای وبلاگستان ایرانی دارند. به همین دلیل است که روایت‌های مطرح شده از فضای گفتمان آن‌لاین ایرانی در غرب، اغلب نارساست. شاید شایان توجه‌ترین

خصیصه شبکه بزرگ وبلاگ‌نویسان ایرانی، تنوع و پراکندگی گسترده آن است. درست مانند وبلاگستان آمریکایی، تصویر ساده و کاریکاتورگونه‌ای که از گرایش‌های سیاسی و شخصیت‌ها در رسانه‌های همگانی یافت می‌شود، در مقابل تنوع پیچیده صداها و فردی واقعی رنگ می‌بازد. دشمنان و مخالفین مفروض ما همیشه آدم بدهای مقوایی نیستند که ما تصور می‌کنیم، و دوستان و متحدان مفروض ما نیز همیشه لیبرال‌های عاشق آزادی نیستند که درباره‌شان می‌خوانیم. روحانیونی هستند که علاقه‌مند گفتگو و رابطه با غرب‌اند، و سکولارهایی هم هستند که موافق غنی‌سازی اورانیوم‌اند. وبلاگستان ایرانی دربرگیرنده هزاران فرد با دغدغه‌های سیاسی است، که در گستره وسیعی از بینش‌های فکری درباره هر موضوع قابل‌تصویری نظر می‌دهند.

نقشه شبکه ما را یاری می‌دهد تا چگونگی سازمان یافتن این گوناگونی گسترده را درک کنیم. اینکه چگونه گرایش‌های برجسته‌تر در علاقه‌مندی‌ها و ایدئولوژی‌های وبلاگ‌نویسان ایرانی، ساختارهای بزرگ شبکه‌ای را سامان داده و هر کدام از اینها چه اهمیتی به لحاظ سیاسی دارند. در قطب شبکه‌های مختلط، وبلاگ‌نویسانی با همه نوع موضوع مورد علاقه، از موسیقی پاپ گرفته تا آیین زردشتی، دیده شده‌اند. تعدادی وبلاگ با کنایه‌های سیاسی نیز به چشم می‌خورد اما غالب وبلاگ‌ها راجع به موضوعات متفرقه دیگری هستند. وبلاگ‌های گروه شعر پارسی عموماً به شعر عاشقانه می‌پردازند و مسائل سیاسی غالباً به چشم نمی‌خورد. با این وجود این گروه با قطب سکولار/اصلاح‌طلب پیوستگی بیشتری دارد تا با قطب مذهبی. این دو قطب اخیر ویژگی‌های جالبی از فرهنگ و اسلوب‌های کلیدی گفتمان ایرانی را منعکس می‌کنند، که بعضاً به صورت غیر مستقیم و تلویحی اهمیت سیاسی دارند (یک ایرانی تبعیدی خبره در امور سیاسی به ما گفت که "ایرانیان همواره از شعر برای بیان رمزی مفاهیم سیاسی بهره برده‌اند")، اما گفتمان و مباحثات سیاسی آشکارا در دو قطبی رخ می‌دهد که بیانگر دیدگاه‌های رقیب در جامعه ایرانی هستند. قطب سکولار/اصلاح‌طلب بخش قابل توجهی از فعالان ایرانی ساکن خارج و نیز زنان را در برمی‌گیرد. این قطب یک گروه ساختاری منفرد است، اما تحلیل گروه‌های گرایشی تمایلات و تفاوت‌های ضمنی را در زمینه‌های مورد تمرکز وبلاگ‌نویسان این قطب، آشکار می‌سازد. قطب دیگر، محافظه‌کار/مذهبی، شامل وبلاگ‌نویسانی می‌شود که اکثریت قریب به اتفاق‌شان در ایران زندگی می‌کنند و به استثنای چند مورد همگی مرد هستند. این قطب متشکل از سه زیرگروه ساختاری متمایز است که هر کدام به طور گسترده‌ای متشکل از گروه‌های گرایشی متمایز هستند.

این دو قطب که به لحاظ ایدئولوژیک کاملاً مجزا هستند، هر کدام دربرگیرنده صداها و وبلاگ‌نویسانند که درباره انواع موضوعات سیاسی مورد مناقشه، یادداشت می‌نویسند. هر دو قطب شامل گفتارهایی است که گستره گفتمان سیاسی را از "سیاست فرهنگی" تا "سیاست قدرت"، پوشش می‌دهند. به علاوه بررسی‌های ما - که در آنها تمرکز بیشتر بر گفتمان سیاسی حوزه قدرت بوده است - زیرگروه‌هایی را در دو انتهای این گستره مشخص می‌کند. به طور خلاصه هر قطب اصلی نشان‌دهنده یک بینش

ایدئولوژیک گسترده است و شامل زیرگروه‌هایی می‌شود که گرایش‌های شدید به سیاست حکومت‌داری دارند. درست مانند وبلاگ‌نویسان "درون حاکمیت" * در شبکه وبلاگستان آمریکا، اعضای که شدیدترین گرایش‌های سیاسی را در میان این دو گروه ایدئولوژیکی مخالف دارند، از ورای شکافی عمیق در فضای شبکه‌ای رو در روی یکدیگر قرار می‌گیرند، به نحوی که تنها به همفکران ایدئولوژیک خود نزدیک‌اند و بس.

در بخش‌های بعدی یافته‌های چندین تحلیل مختلف را ارائه می‌کنیم که ما را در روشن ساختن ابعاد سیاسی مختلف وبلاگستان ایرانی یاری می‌کنند. اما قبل از آن معرفی خلاصه‌ای خواهیم داشت از بخش‌های اصلی وبلاگستان ایرانی، از جمله توصیف زیرگروه‌ها که در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

۴. صورت‌بندی قطب‌ها

◀ قطب شعر و شبکه‌های مختلط

اغلب مطالب در قطب شعر بر یک موضوع یا فعالیت خاص متمرکز شده است. بیشتر وبلاگ‌ها دربرگیرنده اشعار -شخصی، نقل شده و یا قدیمی (سنتی)- و نیز تحلیل و بحث درباره شعر است. به طور ویژه، توجه خاصی به شعر عاشقانه و غزل، به عنوان یک گونه شعری سنتی به چشم می‌خورد. شعر، از زمان‌های گذشته از اصلی‌ترین صور تولید فرهنگی در ایران بوده است که امروزه نیز، بر خلاف آنچه در غرب رخ داده، جایگاه خود را در این زمینه حفظ کرده است. شبکه‌های مختلط درست بر خلاف قطب شعر، آمیخته‌ای از زیرشبکه‌های کوچک است که پیرامون موضوعات و سر فصل‌های متنوع فراوانی به بحث می‌پردازند. این قطب نه وبلاگ‌های درخشان و پرتعداد موسوم به "وبلاگ‌های لیست الف" را دربردارد و نه مرکز ثقل مشخصی دارد. در این دسته وبلاگ‌هایی در مورد فوتبال، موسیقی پاپ، آیین زردشتی، اشعار سیاسی، تعداد زیادی روزنوشت‌های شخصی و موارد متفرقه دیگر دیده می‌شود. درحالی که در پیوندهای خروجی گروه‌های دیگر الگوی مشخصی از موضوعات مورد تمرکز دیده می‌شود -به این معنی که ترجیحاً به مجموعه‌های منسجمی از منابع آن‌لاین پیوند می‌دهند، مثل مجموعه‌های مشخص سایت‌های خبری یا NGOها- این گروه به گستره وسیعی از موضوعات، بدون

* *Inside the Beltway*؛ اصطلاحی است که برای مشخص کردن بخش‌هایی از نظام سیاسی آمریکا به کار برده می‌شود. این عبارت عموماً به حوزه پیرامون مراکز حکومتی، نهادها و لابی‌ها، و رسانه‌های عمومی مرتبط با آنها اطلاق می‌شود. (مترجم)

هیچ الگو و ساختار مشخصی پیوند داده‌اند. این قطب متشکل از یک بافت نامنظم از وبلاگ‌های کم و بیش محبوب است که با حرکت‌های سیاسی و فرهنگی بزرگتر ارتباطی ندارند. این قطب همچنین شامل "سرشاخه‌های" دانشجویی و دانش‌آموزی و زیرگروه‌های دیگر می‌شود.

◀ قطب سکولار/اصلاح‌طلب

این قطب، از یک شبکه سازمان‌یافته بزرگ و منفرد تشکیل شده که دارای یک رتبه‌بندی درونی (منحنی مقبولیت) مرسوم در ساختارهای نظام‌مند نوحاسته در وبلاگستان‌هاست. به بیان دیگر، این رتبه‌بندی، برخاسته از گزینش مستقل تعداد بسیار زیادی وبلاگ‌نویس بر روی پیوندهای خروجی‌شان است. اگرچه این انتخاب‌ها مستقل از یکدیگرند اما منجر به تعیین وبلاگ‌های مورد توجه خاصی می‌شوند که ما در این پژوهش با عنوان به "وبلاگ‌های لیست الف" از آنها یاد می‌کنیم. این ساختار در گروه‌های لیبرال و محافظه‌کار وبلاگستان آمریکا و نیز وبلاگستان فن‌آوری دیده می‌شود. این گروه بخش نسبتاً بزرگی از وبلاگ‌نویسان برجسته زن را دربردارد. این امر با توجه به اینکه در دیگر گروه‌ها عموم وبلاگ‌نویسان برجسته مرد هستند، بسیار درخور توجه است. شبکه وبلاگ‌ها در این گروه، کاملاً انسجام‌یافته و یکپارچه است، به نحوی که ساختار پیوندها در بین وبلاگ‌نویسان، یک همسایگی بزرگ مجزا را تشکیل می‌دهد. با این وجود، تحلیل گروه‌های گرایشی الگوهای متفاوتی را در رفتار پیونددهی وبلاگ‌نویسان نشان می‌دهد که ابعاد متفاوتی از علاقه‌مندی‌ها را آشکار می‌سازد. هر چند این وبلاگ‌ها به طور کلی دیدگاه‌های سکولار و اغلب اصلاح‌طلبانه را منعکس می‌کنند، یکی از گروه‌های گرایشی این قطب به طور خاص بر سیاست متمرکز است و به بحث و بررسی موضوعات خبری، امور جاری و برخی چهره‌های سرشناس می‌پردازد. در زیر دو دسته از این گروه‌ها را بیشتر معرفی کرده‌ایم:

- سکولار/ایرانیان ساکن خارج:

این گروه دربرگیرنده بخش بزرگی از زنان و ایرانیان ساکن خارج است. موضوعات رایج در این گروه اغلب شامل حقوق زنان و زندانیان سیاسی است. بسیاری از این وبلاگ‌نویسان به بحث راجع به موضوعات فرهنگی مثل سینما، روزنامه‌نگاری (خبرنگاری)، کتاب و طنز می‌پردازند.

- اصلاح‌طلبان سیاسی:

این گروه به شکل هدف‌مندتری بر "سیاست سخت" تمرکز دارند که عموماً شامل موضوعات زیر می‌شود: اخبار و امور جاری، روزنامه‌نگاری (خبرنگاری)، چهره‌های سیاسی خاص و مباحثی مثل سوء مصرف مواد مخدر و تخریب محیط زیست در ایران. اکثر قریب به اتفاق وبلاگ‌نویسان این گروه مرد هستند و در داخل ایران زندگی می‌کنند. با توجه به خطراتی که این افراد با آن

روبه‌رو هستند، بر خلاف تصور ما، اغلب وبلاگ‌نویسان این گروه به جای فعالیت با نام مستعار یا به صورت ناشناس، تحت عناوینی که به نظر می‌آید نام‌های واقعی‌شان باشد، فعالیت می‌کنند.

◀ قطب محافظه‌کار / مذهبی

اکثریت قریب به اتفاق وبلاگ‌های موجود در قطب محافظه‌کار متأثر از منابع مذهبی‌اند. وبلاگ‌ها در درجه اول مذهبی هستند و کمتر به موضوعات سیاسی می‌پردازند. وبلاگ‌های دیگر به شکل گسترده‌ای بر مباحث سیاسی تمرکز دارند. وبلاگ‌های این گروه، حتی اگر در همه موارد از سیاست‌ها و چهره‌های سیاسی دولتی دفاع نکنند، اما همگی فلسفه و حقانیت جمهوری اسلامی و ولی‌فقیه (رهبر معظم) را مورد حمایت قرار می‌دهند. قطب محافظه‌کار از سه زیرگروه اصلی تشکیل شده که از نظر پیوندهای خروجی به هم مرتبط اما به لحاظ ساختاری از یکدیگر متمایزند:

- محافظه‌کاران سیاسی:

تمرکز این گروه بر "سیاست قدرت" معطوف است که شامل پیگیری خبرها، موضوعات پیش‌آمده و امور جاری عمومی می‌شود. فعالیت‌های این گروه دربرگیرنده بحث و انتقاد از برخی سیاست‌ها و چهره‌های سیاسی خاص نیز می‌شود. توجه اصلی عمدتاً بر مباحث داخلی (بومی)، از جمله اقتصاد متمرکز است اما اخبار بین‌المللی و سیاست خارجی نیز مد نظر قرار می‌گیرد. نقل قول‌ها از چهره‌های سیاسی به کرات به چشم می‌خورد. هر چند برخی از وبلاگ‌نویسان این گروه دولت کنونی را مطلقاً مورد حمایت قرار می‌دهند، انتقاد از نهادهای دولتی و رهبران سیاسی، از جمله احمدی‌نژاد رویکردی رایج است.

- گفتمان دوازده امامی‌ها:

اکثریت مسلمانان شیعه (قریب به ۸۹ درصد در ایران) بر اساس خط فکری متمایزشان که مورد جدل با دیگر فرقه‌هاست - بر این باورند که محمد بن حسن بن علی، یا مهدی، دوازدهمین امام شیعیان بیش از هزار سال است که در غیبت به سر می‌برد و توسط خداوند از دیدگان پنهان شده و محافظت می‌شود. او به عنوان آخرین منجی بشریت ظهور خواهد کرد و جامعه آرمانی اسلامی را به وجود خواهد آورد. هر چند تشیع اثنی‌عشری فرقه اعتقادی غالب در ایران است، برخی از اشخاص، از جمله بعضی از تندروترین اسلامگرایان سیاسی در نهاد حاکمیت، قویاً بر ظهور مهدی موعود تأکید می‌ورزند. احمدی‌نژاد به کرات از طریق فعالیت‌های نمادین، سعی در تأمین نظر این گروه دارد. از نظر بسیاری از محافظه‌کاران، هدف اصلی

جمهوری اسلامی آماده کردن زمینه‌های ظهور امام دوازدهم است. این گروه متشکل از صدها وبلاگ‌نویس فدایی است و فعالیت‌ها در این گروه ارتباط تنگاتنگی با مباحث مذهبی دارد.

- جوانان مذهبی:

این گروه شامل وبلاگ‌نویسانی می‌شود که نسبت به اعضای دیگر گروه‌ها جوان‌ترند که از جمله آنها اقشار دانشجو و دانش‌آموز است. مذهب موضوع اصلی مورد توجه است. مجموعه‌ای از ویژگی‌های ساختاری در این گروه دیده می‌شود (شباهت‌هایی عمیق در صورت‌بندی پیوندهای خروجی، توازن و همسانی نسبی در پیوندهای بین‌گروهی) که نشان‌دهنده احتمال هماهنگی‌های سازمان‌یافته است. در ایران تعدادی انجمن محافظه‌کار دانشجویی در زمینه وبلاگ‌نویسی وجود دارد^۶ که جنبش‌های فعالی را هدایت کرده و در سطح عمومی جامعه مورد اقبال‌اند و در نتیجه می‌توانند عامل اصلی در ایجاد پدیده فوق باشند.

۵. تحلیل محتوایی

برای آنکه بتوانیم موضوعات مورد توجه وبلاگ‌نویسان را در گروه‌های مختلف معین کنیم، سه تحلیل محتوایی مستقل را انجام داده‌ایم. ابتدا با کمک نیروهای انسانی، موضوعات کلیدی را در مطالب وبلاگ‌نویسان مشخص کردیم و چکیده‌های مختصری را در توصیف وبلاگ‌های مورد مطالعه فراهم آوردیم. در قدم دوم تناوب نسبی کاربرد عباراتی را مورد بررسی قرار دادیم که در یادداشت‌های وبلاگ‌نویسان گروه‌های مختلف به چشم می‌خورند. و نهایتاً نگاهی داشتیم به دسته‌های مختلف پیوندهای خروجی (منابع خبری، سایت‌ها و دیگر وبلاگ‌ها) که توسط بخش‌های مختلف وبلاگستان ایرانی، به طور خاص مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بررسی ۱: کدبندی با کمک نیروی انسانی

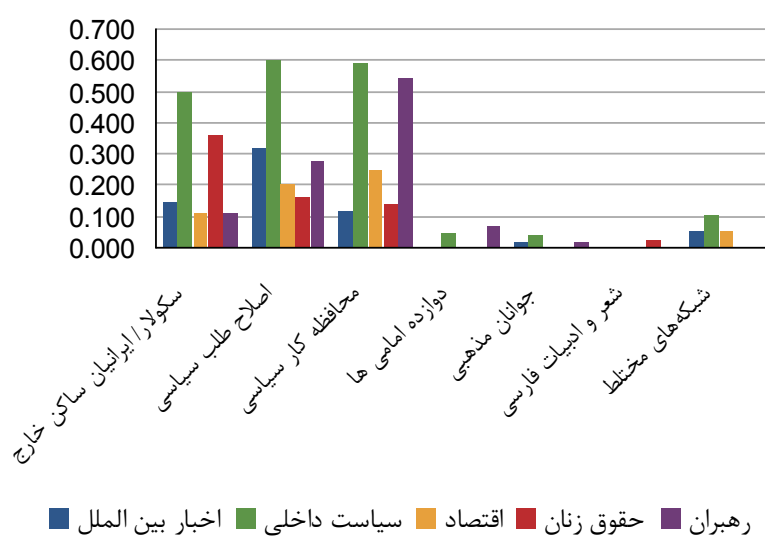
همکاران فارسی‌زبان ما حدود پانصد وبلاگ را مطالعه و کدبندی کردند که از میان گروه‌های منتخب مورد توجه ما، نمونه‌برداری شده بودند. برای این تحلیل‌ها از دو پرسش‌نامه استفاده شده است. یکی مربوط به اطلاعات اولیه که مجموعه‌ای از اطلاعات مورد نیاز درباره موقعیت مکانی وبلاگ‌نویس،

۶. "وبلاگ‌نویسان ایرانی مسلمان" حمید تهرانی/

جنسیت او، وضعیت گمنامی و حدود سنی وی فراهم می‌آورد. دیگری پرسش‌نامه‌ای جزئی‌تر که از پژوهشگران می‌خواست تا مشخص کنند چه زمانی وبلاگ‌نویسان درباره چه مواردی از میان موضوعات مختلف مثل اخبار، سیاست، مذهب و یا زندگی شخصی، مطلب نوشته‌اند (هر دو پرسشنامه در ضمیمه موجود است). علاوه بر سؤالات استاندارد ما درباره موضوع یادداشت‌های وبلاگ‌نویسان، محققین می‌توانستند موضوعات مورد نظر خود را نیز به دلخواه در پرسش‌نامه لحاظ کنند. هدف از این کار بدست آوردن نتایج معتبرتر نبود، بلکه صرفاً ابزاری بود تا به وسیله آن بتوان موضوعات مطرح شده و یا غیر قابل انتظار را مشخص کرد. نتایج حاصل از پرسش‌نامه اطلاعات اولیه پیش از این مرور شد (نمودارهای ۲-۵). نمودارهای حاصل از نتایج بررسی درباره موضوعات عنوان شده در وبلاگ‌ها، الگوهای مختلفی را برای ما آشکار می‌سازد (نمودارهای ۶-۹):

◀ امور جاری (نمودار-۶):

سیاست و امور عمومی



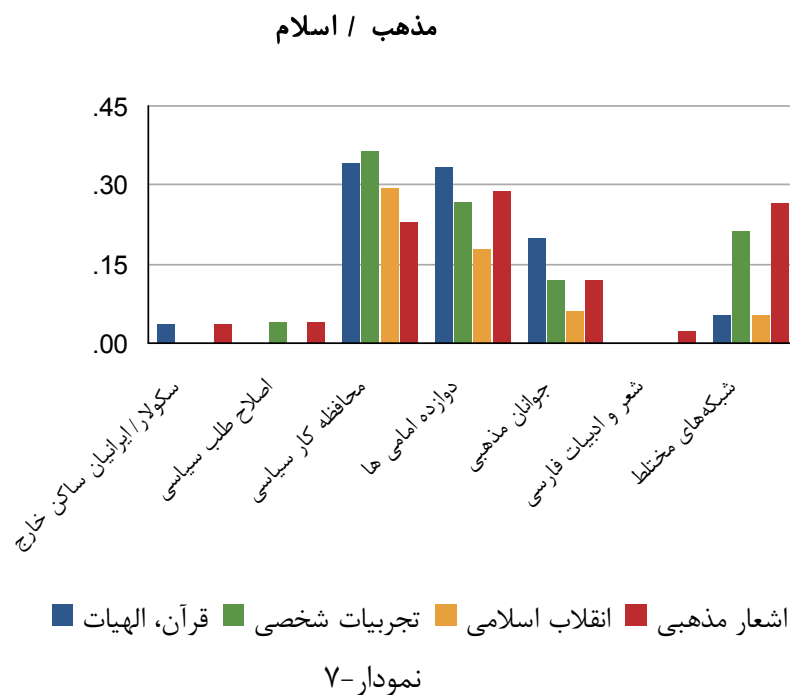
نمودار-۶

○ امور جاری به شکل گسترده‌ای در قطب سکولار/اصلاح طلب مورد بحث قرار می‌گیرد. در زیرگروه اصلاح طلبان سیاسی بیشتر توجهات معطوف اخبار بین‌المللی، اقتصاد و رهبران سیاسی (با ذکر نام آنها) است و موضوعات مرتبط با حقوق زنان به طور قابل توجهی، عمدتاً در زیرگروه سکولار دیده می‌شود.

○ زیرگروه محافظه‌کاران سیاسی در قطب محافظه‌کار به شدت بر امور جاری، به ویژه در مورد سیاست داخلی و رهبران سیاسی (با ذکر نام آنها) متمرکز است. هم‌چنین مباحثاتی درباره موضوعات مرتبط با حقوق زنان به چشم می‌خورد، هرچند از منظر محافظه‌کارانه آن بحث می‌شود. زیرگروه‌های دوازده امامی‌ها و جوانان مذهبی به طور نسبی توجه بسیار کمتری را نسبت به امور جاری از خود نشان می‌دهند.

○ در قطب‌های شعر و ادبیات و شبکه‌های مختلط توجه بسیار اندکی به امور جاری دیده می‌شود.

◀ اسلام/دین (نمودار-۷):

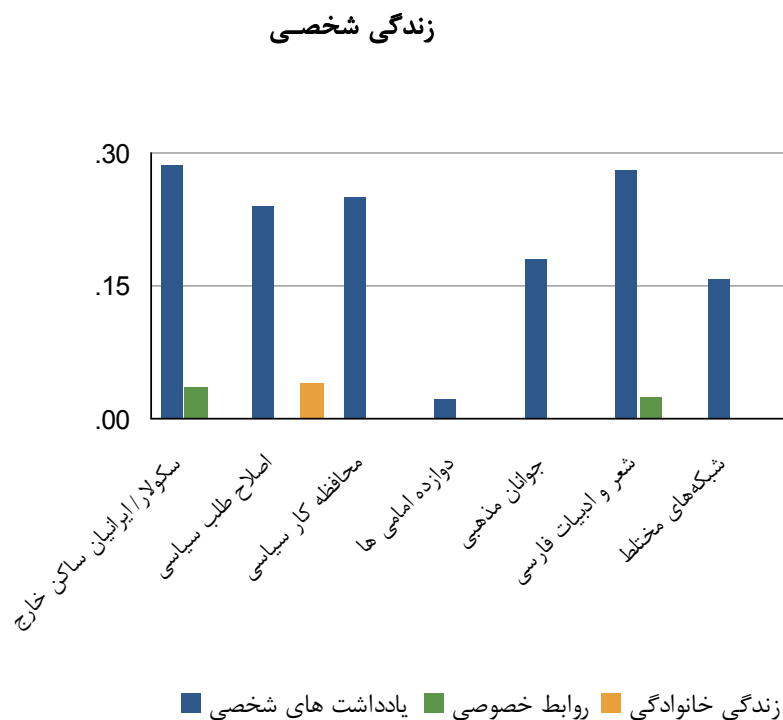


○ قطب محافظه‌کار توجه بسیار زیادی را به مذهب به ویژه در گروه دوازده امامی‌ها نشان می‌دهد که از آن میان الهیات و قرآن از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

○ در قطب سکولار/اصلاح طلب توجه اندکی به مذهب دیده می‌شود که همین روند برای قطب شعر و ادبیات نیز صادق است. قطب شبکه‌های مختلط نیز دربرگیرنده برخی یادداشت‌های

مذهبی است، اما این یادداشت‌ها ارتباط کمی با موضوعات قرآنی دارند و بیشتر درباره تجربه‌های شخصی و یا اشعار مذهبی‌اند.

◀ زندگی شخصی (نمودار-۸):



نمودار-۸

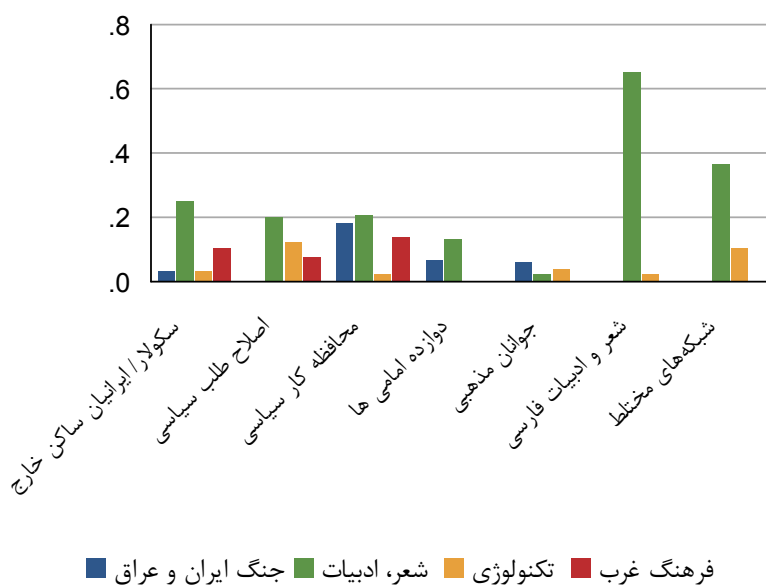
○ اقلیتی از وبلاگ‌نویسان هستند که از این محیط برای بیان عمومی یادداشتهای شخصی روزانه خود استفاده می‌کنند. این دست از وبلاگ‌نویسان بیشتر در گروه جوانان مذهبی و شعر دیده می‌شوند.

○ شایان ذکر است که در طول این بررسی با تعداد بسیار اندکی وبلاگ‌نویس مواجه شدیم که درباره زندگی مجردی (دوستی‌ها و روابطشان) و زندگی خانوادگی‌شان (ازدواج و فرزندان) مطلب می‌نویسند. این برخلاف توصیف‌های رایجی بود که از فضای وبلاگستان ایرانی ارائه شده و در آنها بر رفتارهای متفاوت جوانان سرکش در روابطشان با جنس مخالف تاکید

می‌گردد. احتمالاً این‌گونه رفتارها در میان جوانان مجرد، از طریق روش‌های ارتباطی آنلاین دیگری شکل می‌گیرد که خصوصی‌ترند.^۷

◀ موضوعات خاص (نمودار-۹):

طبقه بندی موضوعی



نمودار-۹

- یادداشت درباره جنگ ایران و عراق در همه زیرگروه‌های قطب محافظه‌کار/مذهبی به چشم می‌خورد و در دیگر قطب‌ها کمتر دیده می‌شود.
- شعر و ادبیات، همان‌طور که انتظار می‌رود، غالب‌ترین موضوعات در قطب شعر و ادبیات فارسی هستند، اما در مقیاس‌های کوچک‌تر در بخش‌های دیگر وبلاگستان نیز دیده می‌شوند.
- فن‌آوری موضوع چندان مطرحی نیست ولی بیش از همه در زیرگروه جوانان مذهبی دیده می‌شود.

^۷. "انقلاب جنسی" / پردیس مهدوی / مقاله ارائه شده به کنفرانس پروژه دموکراسی ایران مؤسسه هوور، با عنوان "امیدهای دموکراسی در ایران: ارزیابی رژیم حاکم و گروه مخالفین"، نوامبر ۲۰۰۷، دانشگاه استنفورد.

○ فرهنگ و ارزش‌های غربی موضوعات رایجی نیستند اما همان مواردی هم که دیده می‌شود، در زیرگروه محافظه‌کاران سیاسی و نیز قطب سکولار/اصلاح‌طلب قرار می‌گیرد.

علاوه بر موضوعات استاندارد، محققین ما ۱۳۰ موضوع دیگر را مشخص کرده‌اند. از آن میان، موضوعاتی که در قطب محافظه‌کار رایج‌ترند عبارت‌اند از: نقل قول از گفته‌های رهبران، انتقاد از رسانه‌ها، تمجید آیت‌الله خمینی، و بازدید احمدی‌نژاد از دانشگاه کلمبیا. عناوینی که بیشتر در قطب سکولار/اصلاح‌طلب دیده می‌شوند عبارت‌اند از: روزنامه‌نگاری، برخوردها با دانشجویان، و زندانیان سیاسی. جالب است که زیرگروه محافظه‌کاران سیاسی دربرگیرنده انتقاداتی از دولت احمدی‌نژاد و نیز بررسی مشکلات پیش روی آنان است، از جمله شرایط بد اقتصادی ایران، قیمت بنزین و سهمیه‌بندی و نیز موضوع هسته‌ای. در این زیرگروه گستره‌ای از آرا و تحلیل‌ها وجود دارد که توأمان شامل انتقاد و حمایت از مدیریت احمدی‌نژاد می‌شود. در ابتدا این یافته برای ما عجیب بود اما بررسی‌های کیفی بیشتری که توسط گروه محققین صورت گرفت، ما را در درک آن یاری نمود.

علاوه بر کدبندی موضوعی، از پژوهشگرانی که بر روی پرسشنامه جزئی کار می‌کردند خواسته شده بود در دو یا سه جمله، توصیف کوتاهی از وبلاگ مورد بررسی ارائه کنند. این چکیده‌ها بسیار روشن‌گر بودند (برای تفصیل بیشتر به ضمیمه E مراجعه کنید). توصیف‌های ارائه شده از وبلاگ‌های موجود در قطب سکولار/اصلاح‌طلب همان طوری بود که انتظار می‌رفت، مثلاً:

○ (سکولار) «وبلاگ‌نویس به بررسی آزادی زنان و کمبودها در زمینه حقوق زنان در مقایسه با حقوق مردان در ایران می‌پردازد. وی همچنین مجازات اعدام در ایران را مورد نقد قرار می‌دهد.»

○ (سکولار) «وبلاگ‌نویس معتقد است که در ایران آزادی و دموکراسی وجود ندارد و برای بیان دیدگاه خود از مقاله، شعر و عکس استفاده می‌کند.»

○ (اصلاح‌طلب سیاسی) «این وبلاگ با زبانی طنزآمیز به موضوعات مرتبط با دانشجویان مثل اعتیاد به مواد مخدر، زندانی شدن، نبود آزادی‌های سیاسی و همچنین موضوعات کلی در حوزه سیاسی اشاره‌ای دارد.»

○ (اصلاح‌طلب سیاسی) «این وبلاگ توسط یکی از پرطرفدارترین احزاب سیاسی ایران، جبهه مشارکت، ایجاد شده است. دانشجویان و روشنفکران حامیان اصلی این حزب‌اند. در این وبسایت افراد می‌توانند مطالبی را راجع به اشتباهات و سوءمدیریت در امور جاری کشور مطالعه کنند و در این موارد به بحث و گفتگو بپردازند.»

معرفی ارائه شده از وبلاگ‌ها در زیرگروه محافظه‌کاران سیاسی قطب محافظه‌کار نیز اغلب مطابق انتظار بود:

○ (محافظه‌کار سیاسی) «وبلاگ به حمایت از رژیم حاکم، مؤسس آن (خمینی) و رهبری کنونی، و نیز سیاست‌ها و دست‌آوردهای دولت اختصاص یافته است.»

○ (محافظه‌کار سیاسی) «این وبلاگ به مرور وقایع و اخبار سیاسی می‌پردازد، نیروهای لیبرال در ایران را مورد توهین و تحقیر قرار داده و تندروهایی نظیر احمدی‌نژاد را تحسین می‌کند.»

○ (محافظه‌کار سیاسی) «این وبلاگ به حمایت از دولت و رهبری آن اختصاص یافته چرا که نویسندگان بر این باور است که آنها تصویری منطبق بر احکام الهی و عقاید شیعی از حکومت ارائه می‌کنند.»

○ (محافظه‌کار سیاسی) «نویسندگان این وبلاگ از جایگاه یک تندرو راست‌گرا، به بررسی گفته‌ها و فعالیت‌های سیاسی لیبرال‌های ایرانی می‌پردازد. به علاوه وبلاگ‌نویس از قوانین و مقررات اسلامی در ایران دفاع می‌کند.»

با این وجود چکیده‌های متعددی به چشم می‌خورد که مشابه توصیف‌های ارائه شده درباره وبلاگ‌های سکولار است:

○ (محافظه‌کار سیاسی) «این وبلاگ مستقیماً به بررسی تورم گسترده در جامعه ایران می‌پردازد که تأثیر مخربی بر طبقه متوسط و قشر کارمند جامعه دارد و منجر به بروز فحشا در میان زنان و دختران جوان می‌شود. این سایت، هم‌چنین شامل مطالبی درباره مسائل و مشکلات پدید آمده توسط نظام حاکم، با زبانی کنایی و عامیانه است.»

○ (محافظه‌کار سیاسی) «این وبلاگی روشنفکرانه است که وقایع مهم، فعالیت‌ها و اشتباهات مرتبط با رژیم حاکم ایران را با منطقی استدلالی مورد بررسی دقیق قرار می‌دهد.»

○ (محافظه‌کار سیاسی) «این وبلاگ، فساد حاکم بر ارکان حکومت و نیز عدم پایبندی به قانون اساسی را به چالش می‌کشد. به علاوه، وبلاگ‌نویس به بحث درباره جنبش دانشجویی و انتقاد از برخی تولیدات رسانه‌ای می‌پردازد.»

○ (محافظه‌کار سیاسی) «این وبلاگ درباره اشتباهات و مشکلات پیش روی نظام حاکم گفتگو می‌کند و با زیر سؤال بردن صحت آمار و ارقام دولتی، به طور غیر مستقیم از رژیم و رهبران آن انتقاد می‌کند.»

اگر به طور تصادفی توصیفاتی از این دست را با معرفی‌های ارائه شده از وبلاگ‌ها در قطب سکولار/اصلاح‌طلب، یک‌جا دسته‌بندی کنیم، ممکن است کسی گمان کند که این وبلاگ‌ها به قطب سکولار/اصلاح‌طلب تعلق دارد. توصیفات دیگری که از این وبلاگ‌ها بدست آمده ما را در درک بهتر ماهیت این نوع انتقادات یاری می‌کند:

○ (محافظه‌کار سیاسی) «نویسنده این وبلاگ در مثالهای گوناگون، توامان به انتقاد و حمایت از احمدی‌نژاد می‌پردازد.»

○ (محافظه‌کار سیاسی) «این وبلاگ از مبانی اسلامی و رهبران سیاسی مثل آیت‌الله خامنه‌ای و احمدی‌نژاد دفاع می‌کند. همزمان، به انتقاد از عملکرد رژیم در حوزه زنان، برخی رهبران نظام، اسرائیل، و سیاست‌های آمریکا در منطقه می‌پردازد.»

○ (محافظه‌کار سیاسی) «این وبلاگ از دولت احمدی‌نژاد حمایت می‌کند و در کنار آن دستگاه قضائی و ماهیت به ظاهر بی‌قاعده بازداشت‌های سیاسی را مورد انتقاد قرار می‌دهد.»

وبلاگ‌نویسان سیاسی محافظه‌کار، بین نهادهای مختلف، افراد و سیاست‌های حکومت ایران تمایز قائل می‌شوند، و بعضی را حمایت کرده، به انتقاد از برخی دیگر می‌پردازند. حمایت از چهره‌هایی چون احمدی‌نژاد می‌تواند جزیی باشد و نقدها نیز از جایگاهی "دوستانه" مطرح شوند؛ درست مانند حالتی که ممکن است یک چهره سیاسی آمریکایی از سوی یکی از اعضای حزب خود با انتقاد روبه‌رو شود. گفتمان حاکم بر گروه محافظه‌کاران سیاسی بسیار شبیه یک گفتمان "دموکراتیک" است. به جای تقلید طوطی‌وار از خط مشی حزب، آکنده از طعنه و انتقادات همسان به دوستان و دشمنان، و آراء متوازن درباره آنهاست. توصیف‌های ارائه شده از وبلاگ‌ها در دو زیرگروه دیگر محافظه‌کار، در مجموع، کمتر مایه تعجب بود:

○ (دوازده امامی) «همه چیز درباره حفظ قرآن»

○ (دوازده امامی) «نویسنده در معرفی وبلاگ خود صریحاً عنوان می‌کند که این وبلاگ قصد ندارد درگیر عرصه‌های متعصبانه سیاسی شود و تنها کوششی است برای انعکاس احساسات پیرامون امام دوازدهم شیعیان که روزی ظهور خواهد کرد.»

○ (جوانان مذهبی) «مختص مذهب و عکس‌هایی از خمینی و احمدی‌نژاد»

○ (جوانان مذهبی) «نویسنده در مخالفت با اصلاح‌طلبان و انتقاد از آنان می‌نویسد و همزمان از رئیس‌جمهور نهم، احمدی‌نژاد، دفاع می‌کند.»

با این حال، حتی این گروه‌ها نیز شگفتی‌های خود را دارند:

○ (دوازده امامی) «این وبلاگ عموماً دربردارنده اشعار مذهبی درباره اسلام، امامان شیعه و شهدای جنگ ایران و عراق است. جالب است که در کنار آن، نویسنده با زبان شعر به انتقاد از سوء مدیریت‌های رژیم و برخی رهبران آن، بدون ذکر نامی خاص، می‌پردازد.»

○ (جوانان مذهبی) «مذهبی ولی به ظاهر لیبرال با علاقه‌مندی‌هایی در حوزه ماوراءالطبیعه»

حاصل کار پژوهشگران، در کنار زمانی که تعدادی از آنها با نویسندگان این مقاله صرف مطالعه و ترجمه وبلاگ‌ها کردند، در درک علاقه‌مندی‌ها و ایدئولوژی‌های سازنده وبلاگستان ایرانی بسیار مؤثر است. البته در کنار آن چالش‌های فراوانی را هم برمی‌انگیزد، مثلاً این‌که، چگونه حامیان محافظه‌کار جمهوری اسلامی آزادانه رئیس‌جمهور و نهادهای حکومتی را نقد می‌کنند، یا چطور یک جوان مذهبی در بین هم‌رده‌های متعصب و فدایی خود راجع به بعضی موضوعات لیبرال به نظر می‌رسد. و به طور کلی چگونه حامیان سیستمی که تا حد زیادی مخالف آزادی شناخته شده است، می‌توانند در گفتمانی شرکت بجویند که به نظر می‌آید کم و بیش همان چیزی باشد که جان استوارت میل از آن به عنوان بنیان جامعه آزاد (لیبرال) یاد کرده است. بعداً بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت.

بررسی ۲: تناوب کاربرد عبارات و موضوعات

دومین روش مورد استفاده ما برای درک الگوهای مختلف موجود درگفتمان حاکم بر وبلاگستان ایرانی، تحلیل تناوب کاربرد عبارات و موضوعات خاص با کمک رایانه بود. در این روش، به جای استفاده از نیروهای انسانی، با بهره‌گیری از رایانه به کنکاش در متن یادداشت‌های وبلاگ‌نویسان ایرانی پرداختیم. در ابتدا لیست‌های مختلفی را از عبارات کلیدی در زبان فارسی فراهم آوردیم که به زعم ما موضوعات خاص مورد بحث در وبلاگستان را مشخص می‌کردند. پس از آنکه ده‌ها عبارت مختلف را جمع‌آوری کردیم، ایده بهتری به ذهن ما رسید. سایت ویکی‌پدیا دربردارنده مجموعه وسیعی از مقالات به زبان انگلیسی و با ترجمه فارسی عبارات کلیدی، درباره موضوعات مرتبط با ایرانیان است. این عبارات دربرگیرنده عناوین وقایع مهم، اسامی مکان‌ها، نهادها، و تعداد زیادی از شخصیت‌ها، از چهره‌های تاریخی کهن گرفته تا زندانیان تازه اعدام شده است. هم‌چنین شامل تعداد زیادی از روحانیون، سیاستمداران، خوانندگان، بازیگران، شاعران، دانشمندان، روزنامه‌نگاران، چهره‌های دانشگاهی و بازیکنان فوتبال می‌شود. ویکی‌پدیا منبع بسیار مناسبی بود تا با کمک آن بتوانیم به کنکاش در وبلاگستان ایرانی بپردازیم و شناختی از ساختار فرهنگی و سیاسی آن فراهم آوریم.

از میان مقالات موجود، بیش از ۳۰۰۰ مقاله انگلیسی را درباره موضوعات مرتبط با ایرانیان انتخاب کردیم که همگی در زمینه‌های مورد توجه ما قرار داشتند. از این تعداد حدود ۱۷۰۰ مقاله شامل ترجمه فارسی عبارات کلیدی (نام مقاله) بودند که با استفاده از الگوریتمی ساده، توانستیم همه آنها را استخراج کنیم. در ادامه، این عبارات در مجموعه‌های بزرگی دسته‌بندی شدند که عموماً با یکدیگر هم‌پوشانی داشتند، مثل مجموعه "سیاستمداران ایرانی" که دربرگیرنده افرادی از لیست "روحانیون ایرانی" و نیز "زنان عضو مجلس" است. با استفاده از این عبارات دسته‌بندی شده، تمامی یادداشت‌های وبلاگ‌نویسان که طی یک دوره هفت ماهه (از جولای ۲۰۰۷) از وبلاگستان ایرانی جمع‌آوری شده بود، مورد بررسی قرار گرفت و همه تطابق‌های موجود با لیست‌های مذکور مشخص شد. سپس تناوب نسبی این تطابق‌ها در بین زیرگروه‌های هدف مورد محاسبه قرار گرفت. از آنجایی که مأخذ عبارات مورد استفاده ما ویکی‌پدیا بود، این امکان برایمان وجود داشت که درباره این موضوعات گوناگون به مقالات مراجعه و راجع‌به‌شان مطالعه کنیم. بدین ترتیب توانستیم الگوهای بسیار جالبی از کاربرد عبارات منفرد و نیز لیست‌های موضوعی بدست آوریم (ضمیمه D: تناوب کاربرد عبارات و موضوعات).

اول آن که، به طور کلی موضوعاتی وجود دارد که برای یک زیرگروه خاص بیشتر از دیگران اهمیت دارد. مثلاً زیرگروه دوازده امامی‌ها درباره موضوعات زیر، بیشتر از دیگران مطلب می‌نویسند:

- مهدی، امام دوازدهم (عبارت)
- علامه مجلسی، یک روحانی برجسته تاریخ شیعه (عبارت)
- شیخ طوسی، دانشمند قدیمی شیعی (عبارت)
- عجم، عبارتی عربی که در مورد ایرانیان و دیگر افراد غیرعرب به کار می‌رود (عبارت)

تعدادی از موضوعات وجود دارد که بیشتر از همه مورد استفاده زیرگروه محافظه‌کاران سیاسی است، از جمله:

- فلسطین (عبارت)
- محسن رضایی، دولتمرد قدرتمند محافظه‌کار که با بمب‌گذاری سال ۱۹۹۴ مرکز AMIA در آرژانتین مرتبط است (عبارت)
- حسن روحانی، سیاستمدار و روحانی برجسته، مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای (عبارت)
- حجتیه، یک انجمن مذهبی مخفی و تندرو که احمدی‌نژاد متهم به نزدیکی به آنهاست (عبارت)
- رهبران مذهبی ایرانی (لیست موضوعی)
- نیروهای نظامی ایرانی در جنگ ایران و عراق (لیست موضوعی)

وبلاگ‌نویسان گروه‌های شعر و ادبیات و شبکه‌های مختلط، به ترتیب عبارات زیر را بیشتر به کار برده‌اند:

- باباطاهر، شاعر بزرگ ایرانی قرن ۱۱ (شعر)
- بیستون، یک کتیبه سنگی کهن که بن‌مایه اصلی یک داستان رمزی عاشقانه ایرانی است (شعر)
- شهاب حسینی، بازیگر سینما و تلویزیون (شبکه‌های مختلط)
- مهستی، خواننده مهاجر پاپ که در سال ۲۰۰۷ درگذشت (شبکه‌های مختلط)

علاوه بر این، به طور معمول عبارات و لیست‌های موضوعی خاصی وجود دارند که فقط منطبق بر یک زیرگروه تنها نیستند، بلکه در مجموع دو زیرگروه دیده می‌شوند. الگوهای بسیار جالبی در نوع به‌کارگیری عبارات و موضوعات خاص توسط این جفت مجموعه‌ها به چشم می‌خورد. اصلی‌ترین این جفت مجموعه‌ها، مجموعه متشکل از دو گروه اصلاح‌طلبان سیاسی و محافظه‌کاران سیاسی است که بیشتر در مورد موضوعاتی از این دست یادداشت می‌نویسند:

- هاله / سفندیاری، چهره دانشگاهی ایرانی-آمریکایی که سال ۲۰۰۷ در ایران بازداشت شد (عبارت)
- امیرکبیر، شخصیت اصلاح‌طلب تاریخی ایرانی (۱۸۰۷-۱۸۵۲) (عبارت)
- غلامحسین کرباسچی، همفکر هاشمی رفسنجانی که توسط تندروها به زندان افتاد (عبارت)
- اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور اسبق محافظه‌کار و عملگرا (عبارت)
- دادگاه ویژه روحانیت، دادگاه ویژه‌ای برای محاکمه روحانیون (عبارت)
- روحانیون ایرانی (لیست موضوعی)
- قانون ایران (لیست موضوعی)
- نهادهای سیاسی ایرانی (لیست موضوعی)
- زنان سیاسی ایرانی (لیست موضوعی)
- نمایندگان مجلس (لیست موضوعی)

با کمک موارد فوق و نیز تعداد فراوانی از عبارات‌ها و لیست‌های دیگر مورد بررسی، مشاهده می‌کنیم که این دو گروه در دسته‌بندی ایدئولوژیک حاکم بر فضای گفتمان سیاسی ایرانی، در دو سوی مخالف بر مسأله "سیاست قدرت" متمرکز شده‌اند. همه عبارات و موضوعات سیاسی مختص مجموعه این دو زیرگروه نیست، بلکه عباراتی نیز هستند که در نوشته‌های مجموعه جفتی دیگری، شامل زیرگروه‌های سکولار و اصلاح‌طلبان سیاسی، دیده می‌شوند:

- زندان / ۵۹، بازداشتگاه نیروهای سپاه (عبارت)
- زندان / اوین، زندانی در تهران که زندانیان سیاسی در آنجا نگهداری می‌شوند (عبارت)

- سعید مرتضوی، قاضی تندرو که مطبوعات اصلاح طلب را توقیف کرد و با ماجرای مرگ خبرنگار کانادایی، زهرا کاظمی، در سال ۲۰۰۳ مرتبط است (عبارت)
- زندانیان و بازداشت شدگان ایرانی (لیست موضوعی)
- سکولارهای ایرانی (لیست موضوعی)
- یهودیان ایرانی (لیست موضوعی)
- وبلاگ‌نویسان ایرانی (لیست موضوعی)
- فعالان حقوق زنان (لیست موضوعی)

در اینجا دسته‌ای از موضوعات سیاسی را می‌بینیم که سکولارها و ایرانیان ساکن خارج تمایل به نوشتن درباره‌شان دارند ولی این موضوعات چندان مورد توجه مخالفین محافظه‌کارشان نیستند. مجموعه دیگری نیز وجود دارد که ارتباطی با حوزه سیاسی ندارد و بیشتر مرتبط با فرهنگ و سرگرمی است. زیرگروه اصلاح‌طلبان سیاسی (که اغلب‌شان در ایران هستند)، زمینه‌های علاقه‌مندی مشترکی با وبلاگ‌نویسان گروه شبکه‌های مختلط دارد:

- زرتشت، پیامبر زرتشتیان و بهائی‌ها (عبارت)
- شهاب حسینی، بازیگر سینما و تلویزیون (عبارت)
- سیاوش شمس، خواننده پاپ ساکن خارج (عبارت)
- افشین، خواننده پاپ (عبارت)
- فوتبالیست‌های المپیک ایران (لیست موضوعی)
- بازیگران ایرانی تلویزیون (لیست موضوعی)
- نوازندگان موسیقی سنتی (لیست موضوعی)

الگوهای مشاهده شده در نتایج بررسی صورت گرفته بر روی متن وبلاگ‌ها، ما را در درک بهتر نتایج حاصل از کدبندی وبلاگ‌ها در بخش قبل یاری می‌کند. به طور کلی، دو ساختار ایدئولوژیک بزرگ را در فضای وبلاگستان مشاهده می‌کنیم که یکی بیشتر گرایش سکولار و اصلاح‌طلبانه دارد، و دیگری بیشتر مذهبی و محافظه‌کار است. و هر کدام زیرگروه‌های خاص خود را دارند (اصلاح‌طلبان سیاسی و محافظه‌کاران سیاسی) که به طور ویژه‌ای به مجادلات سیاسی حوزه قدرت گرایش دارند. همچنین موضوعاتی را می‌بینیم که گروه سکولار/اصلاح طلب توجه بیشتری به آنها دارند تا گروه‌های محافظه‌کار، مثل زندانیان سیاسی و دولت‌مردان محافظه‌کاری که در ارتباط با تروریسم‌اند. و نهایتاً، پیوندی فرهنگی بین بخشی از قطب سکولار/اصلاح طلب که در ایران ساکن‌اند و اعضای غیر سیاسی شبکه‌های مختلط دیده می‌شود که پیرامون ورزش و سرگرمی‌های پرطرفدار شکل گرفته است.

شبکه دو بعدی الگوهای جالبی را برای ما آشکار می‌کند:

- زیرگروه‌های محافظه‌کاران سیاسی و دوازده امامی بیشتر به دسته‌پیوندی خروجی می‌دهند که دربرگیرنده سایت‌های خبری و اطلاعات آن‌لاین داخلی است (۱)، درحالی که گروه‌های سکولار و

اصلاح‌طلبان سیاسی، به دسته‌پیوند دیگری از پایگاه‌های خبری خروجی می‌دهند (۱۰) که مورد اقبال ایرانیان ساکن خارج است و نیز دربرگیرنده برخی از منابع اینترنتی غربی پرتعداد مثل *YouTube* و ویکی‌پدیاست. به علاوه چندین دسته‌پیوند وجود دارد که تنها مورد توجه خاص زیرگروه‌های اصلاح‌طلبان سیاسی و سکولار است. (۲،۸،۹،۱۱)

- یک دسته‌پیوند از سایت‌های رسانه‌ای معتبر وجود دارد که مورد اقبال زیرگروه‌های سکولار، اصلاح‌طلبان سیاسی و محافظه‌کاران سیاسی است (۷) و شامل پایگاه‌های خبری اصلی ایرانی مثل ایسنا و فارس‌نیوز و نیز بی‌بی‌سی آن‌لاین می‌شود. این الگو در وبلاگستان آمریکایی نیز وجود دارد که در آن مجموعه‌ای متشکل از پیوندهای خبری و امور جاری وجود دارد که مورد استفاده افرادی است که در هر دو سوی دسته‌بندی‌های ایدئولوژیک گرایش‌های سیاسی قرار می‌گیرند.

- قطب شعر عموماً به وبلاگ‌های شعر و تعدادی سایت با موضوع شعر پیوند می‌دهند. (۵،۶)

- گروه شبکه‌های مختلط به صورت منسجمی به دسته‌پیوند خاصی خروجی نمی‌دهد. این الگو با توجه به زمینه‌های غیرمتمرکز علاقه‌مندی در بین وبلاگ‌نویسان این گروه، قابل انتظار است.

- زیرگروه جوانان مذهبی غالباً به یک دسته‌پیوند خروجی می‌دهند که بر مذهب و درکمال تعجب، فن‌آوری متمرکز است (۱۲). برخی از این سایت‌ها مذهب را با فن‌آوری ترکیب می‌کنند، مثلاً فراهم کردن راه‌های دانلود قرآن بر روی گوشی‌های همراه یا اطلاع از اوقات شرعی به صورت آن‌لاین. هم‌چنین سایتی وجود دارد که به نظر یک فضای تجارت الکترونیک با زمینه‌ای مذهبی است و سایت دیگری که یک آژانس تبلیغات آن‌لاین است. بعضی دیگر از این سایت‌ها درباره الهامات مذهبی‌اند. سایت رسمی رهبری هم در این دسته‌پیوند قرار دارد.

این بررسی الگوهای کلی را که در دیگر بررسی‌ها آشکار شده بود، تأیید می‌کند. قطب سکولار/اصلاح‌طلب منابعی مشابه فراوانی را مورد استفاده قرار می‌دهد و علاوه بر آن شباهت‌های گسترده‌ای در اولویت‌های پیوندهای در این قطب دیده می‌شود. در مقابل، قطب محافظه‌کار/مذهبی در اولویت‌های پیوندهای خود کمتر یکپارچه است. این قطب دربرگیرنده زیرگروهی منفرد است (محافظه‌کاران

سیاسی) که گرایش به اخبار و امور جاری دارد و به برخی منابع اطلاعاتی مشترک با قطب سکولار/ اصلاح طلب، پیوند می دهد، اگرچه یک دسته پیوند مختص به خود نیز دارد (۳). الگو پیونددهی در قطب شبکه های مختلط آن چنان است که از اسم آن بر می آید، و قطب شعر و ادبیات نیز گرایش تک بعدی خود را به شعر نشان می دهد.

کلیپ های YouTube

به عنوان بخشی از بررسی پیوندهای خروجی، نگاهی داشتیم به کلیپ های پرطرفدار YouTube در وبلاگستان ایرانی. در زیر دو نمونه از پرطرفدارترین این کلیپ ها را (تا فوریه ۲۰۰۸) ارائه کرده ایم، که به لحاظ مایه های سیاسی شان جالب توجه اند.

۱- <http://www.youtube.com/watch?v=6al6Z6hF48E> / «عشق سرعت» کلیپی از گروه محبوب کیوسک. بند اول آن به قرار زیر است:

قدرت عشق یا عشق قدرت / مدرنیته یا سنت
تو محور شرارت / ژبان و عشق سرعت
مسکن رنج و درد / به صورت قرص و گرد
شام و نهار نداریم / جاش می خوریم کیک زرد
انتخابای تستی / ازدواجای قسطی
دو زار ته گنجه بود / فرستادیم فلسطین
موفقیت تضمینی / موزیک زیرزمینی
دکتر قلب نمی خوایم / جراح فک و بینی
غیرت سیب زمینی / توسعه سبک چینی
دمو کراسی دینی / پیتزای قورمه سبزی

۲- <http://www.youtube.com/watch?v=eYAnT-CW3A> / «نظر یک آخوند درباره دختران» :

اما این دخترایی که من می بینم تو این پارک ها و خیابونای بالا، کت و دامن تنگ و دانشگاه و... می برنشون جاده هرات، همون جا حمد و سوره شو درست می کنه (اصطلاحی عجیب برای تجاوز و قتل)، همون جا هم پرتش می کنه تو رودخونه. هر وقت دختراتون گم شد برید اونجا، الان مرتب جنازه ها رو می برن.

چهار تا تاکسی ترمز می‌کنه برا دختره، اون میگه "نوبت منه، اول من ترمز کردم" اون میگه نه. آخوند بیچاره اونجا وایساده هیچکی سوارش نمی‌کنه... کاشکی ما هم دختر بودیم! (خنده جمعیت) مشتری خیلی داشتیم، همه سوارمون می‌کردن ...

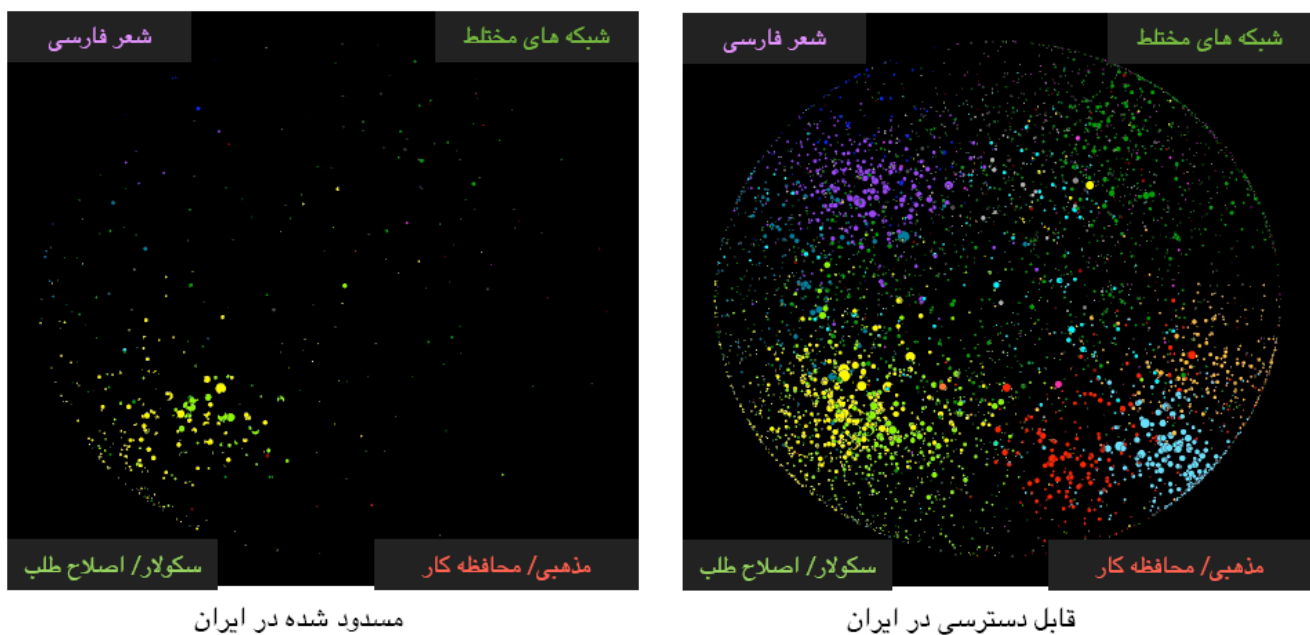
یه روز یه تاکسیه عقب عقب اومد که یه روحانی رو سوار کنه. روحانی هم خیلی خوشحال شد که این این همه راه رفته حالا داره عقب عقب میاد. مدتی هم معطل ماشین بوده حالا یه آدم خوبی پیدا شده. سوار کرد و بردش اون پایین پیاده‌اش کرد. گفت "آقا چرا منو سوارم کردی، پیاده‌ام کردی؟" گفت "آخه اونجا سایه بود می‌خواستم تو آفتاب پیاده‌ات کنم" ببین چقدر مریض بعضی این مردم ...

بله! دخترا رو می‌برن آقا. بی‌غیرتن این مردایی که دختراشونو بین‌الطوعین، با لباسای سفید، با لباس‌های ناجور... نمی‌دونین چقدر بدحجاب زیاد شده. اینا رو سوار می‌کنن یه راست می‌برن... موتورسیکلت‌ها رو می‌برن دروازه غار. اگه موتورتون گم شد کجا برین؟ دروازه غار. اگه کفشتون گم شد، سید اسماعیل. یکی از شاگردای من چند سال پیش کفشش گم شد. رفت سید اسماعیل دید یارو داره کفششو می‌فروشه. نگفت مال منه. اول پاش کرد ببینه اندازه‌شه بعد گفت رند مولایی این کفش مال خودمه، از مسجد آمیزجعفر برده بودن. یکی هم موتورشو برده بودن، گفت رفته بودم دروازه غار وایساده بودم، ۷۵ تومن نذر موسی بن جعفر کردم بیهو دیدم موتوری از جلوم رد شد، مچشو گرفتم. موتور پیدا شد. اما دختره اگه گم شد آدرسش جاده هراته. می‌برن اونجا حمد و سوره‌شو که درست کردن، از همون بالا می‌اندازنش تو رودخونه، برین ببینین. اینو بگید، چون بعضیا می‌گردن عقب دختراشون، آدرس دادم، بهشون بگین برن دختراشونو پیدا کنن. اینا راسته‌ها! شوخی نیست، جدیه، جدی میگم. آدرس دخترایی که گم میشن کجاست؟ بگین. (جمعیت: هرات!) جاده هرات تو رودخونه. ماشین هم از اون بالا میافته توش. گاهی هم جنازه زیر ماشین پیدا میشه...

۶. فیلترینگ و مسدود کردن وبلاگ‌های ایرانی

هرچند در حال حاضر، گفتمان سیاسی نسبتاً گسترده‌ای در فضای وبلاگستان ایرانی به چشم می‌خورد، روشن نیست که در صورت رفتار محدودکننده حکومت به حجم این مطالب اضافه می‌شد یا خیر. سؤالی اساسی برای ما این است که چه درصدی از حجم کل این گفتمان توسط ایرانیان داخل کشور قابل دسترسی است. برای یک خواننده در تبریز، چندان مهم نیست که یادداشت‌های یک وبلاگ سیاسی در تهران نوشته شده یا در لوس‌آنجلس و در اغلب موارد نیز اصلاً امکان چنین تشخیصی وجود

ندارد. آنچه اهمیت دارد این است که آیا امکان دسترسی به وبلاگ وجود دارد یا خیر. *ONI** نهادی است که اطلاعاتی را پیرامون سایت‌های مسدودشده در کشورهای سانسورکننده اینترنت جمع‌آوری می‌کند. در نمودار-۱۱ این داده‌ها در مورد وبلاگ‌های مسدودشده ایرانی نشان داده شده است. در سمت چپ، وبلاگ‌هایی که مسدودشده و توسط ایرانیان قابل رؤیت نیستند، نشان داده شده و در سمت راست آن قسمت از وبلاگستان که در ایران قابل دسترسی است دیده می‌شود.



نمودار-۱۱

هیچ معیار کمی برای تشخیص اینکه چه مقداری از فیلترینگ زیاد به حساب می‌آید، وجود ندارد. از منظر اصول اولیه آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات، هرگونه فیلترینگ مذموم است. مسدودکردن وبلاگ‌ها در ایران توسط حکومت، به طور مشخص به وبلاگ‌های قطب سکولار/اصلاح طلب معطوف است، ولی در عین حال وبلاگ‌های قطب‌های دیگر نیز مشمول فیلترینگ می‌شوند، از جمله قطب محافظه‌کار/مذهبی. با نگاهی به نمودار-۱۱ و نیز درصدهای ارائه شده در جدول-۴، می‌بینیم که تنها اقلیتی از وبلاگ‌ها در ایران مسدود شده‌اند. علاوه بر آن، بیشتر وبلاگ‌های قطب سکولار/اصلاح طلب توسط مردم قابل رؤیت است که شامل ۷۹٪ وبلاگ‌های سکولار/مهاجر و ۸۹٪ وبلاگ‌های اصلاح‌طلبان سیاسی می‌شود. با توجه به تمرکز گروه اخیر بر مسایل سیاسی این امر بسیار جالب است.

* *OpenNet Initiative*

زیرگروه	٪ مسدودشده	٪ قابل دسترسی	قابل دسترسی	مسدودشده	کل
سکولار/ایرانیان ساکن خارج	۲۱٪	۷۹٪	۶۵۰	۱۷۸	۸۲۸
اصلاح طلب سیاسی	۱۱٪	۸۹٪	۶۶۳	۸۶	۷۴۹
محافظه کار سیاسی	۲٪	۹۸٪	۲۵۲	۶	۲۵۸
دوازده امامی	۱٪	۹۹٪	۳۰۱	۳	۳۰۴
جوانان مذهبی	۰٪	۱۰۰٪	۲۹۷	۰	۲۹۷
شعر و ادبیات فارسی	۲٪	۹۸٪	۳۱۲	۶	۳۱۸
شبکه‌های مختلط	۸٪	۹۲٪	۱۶۶۷	۱۳۹	۱۸۰۶

جدول-۴

ONI یک محقق ایرانی را بر آن گماشت تا با بررسی بخش مسدودشده وبلاگستان ایرانی، دریابد که به چه دلیل ممکن است وبلاگی خارج از قطب سکولار/اصلاح طلب، فیلتر شود. این محقق موضوعات مختلفی را به عنوان عوامل مسدودشدن یک وبلاگ شناسایی کرد، از جمله مباحث مربوط به حقوق زنان، ازدواج موقت، اشعار با مضامین اروتیک، استفاده از زبان و ادبیات رکیک، نژادپرستی و نیز برنامه‌های OS* در برخی موارد تشخیص علت مسدودشدن یک وبلاگ دشوار بود، و البته در میان خود وبلاگ‌نویسان هم عده‌ای علت فیلترشدن وبلاگ‌شان را می‌دانستند و عده‌ای دیگر در این مورد ابراز بی‌اطلاعی می‌کردند. در زیر به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

از محقق خواسته شده بود تا به سؤال زیر پاسخ دهد: "این وبلاگ توسط دولت فیلتر و مسدود شده است. با توجه به مشخصات وبلاگ‌نویس و یادداشت‌های وی علت این امر چه می‌تواند باشد؟"

در مورد زیرگروه سکولار/ایرانیان ساکن خارج، پاسخ‌های وی این گونه است:

- وبلاگ‌نویس دانشجوی حقوق است. وبلاگ او با زبانی صریح و بی‌پرده موضوعات فمینیستی را مطرح می‌کند.
- این یک وبلاگ شخصی کاملاً "بی‌ضرر" است. با این حال وبلاگ‌نویس در یکی از نوشته‌هایش، محل کار جدید خود را مطلوب توصیف می‌کند، چرا که "مردان و زنان" از یکدیگر جدا نیستند و می‌توانند در فضایی مثبت با یکدیگر تعامل داشته باشند. وی هم‌چنین از مدیریت مجموعه برای مجبور نکردن زنان به رعایت حجاب، قدردانی می‌کند.

* Open Source Codes

● وبلاگ‌نویس با زبانی گرم و خودمانی نظراتش را درباره روابط عاشقانه در اختیار خوانندگان می‌گذارد که در نظر حکومت امری نامناسب انگاشته می‌شود.
و در مورد زیر گروه شعر و ادبیات:

● ...با اینکه اشعار و نظرات وی در کل جنبه‌ای سیاسی و انتقادی ندارد، در برخی موارد از الفاظ رکیک استفاده شده است.

● وبلاگ‌نویس در یادداشت‌های خود غالباً ابیات مختلفی را از شعرای نامی ایران و در برخی موارد از سروده‌های خودش می‌نویسد. مضمون اصلی شعرها عموماً رنگی ایرانی دارد، مثل عشق، می و... برخی دیگر نیز کمی صریح‌تر به موضوعات اروتیک اشاره دارند.

در زیرگروه محافظه‌کاران سیاسی چنین جواب‌هایی دیده می‌شود:

● این وبلاگ به نقد رسانه‌ها به ویژه سینما، تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای توجه دارد... اغلب یادداشت‌ها، با دیدی ضدصهیونیستی و ضدامپریالیستی به کابدشکافی تولیدات رسانه‌های غربی می‌پردازد، مثل مجموعه فیلم‌های "هری پاتر"... وبلاگ‌نویس در یکی از یادداشت‌های اخیرش، سلطه رسانه‌های "صهیونیستی" روپرت مورداک* را به شدت محکوم می‌کند. از یک نظر دیدگاه‌های او در تقابل با رویکرد حکومت قرار دارد، چرا که رژیم ایران به این نکته توجه دارد که چندان به طور صریح چهره‌های جهانی یهودی را محکوم نکنند... هم‌چنین، وبلاگ‌نویس از جایگاه یک میهن‌پرست افراطی درباره جنبش‌های "پان‌ترکیست" و "پان‌عربیست" موضع‌گیری می‌کند و بر این باور است که این حرکت‌ها در اصل منشائی صهیونیستی دارند و هدف اصلی‌شان ایجاد شکاف و چنددستگی در میان امت اسلامی است.

و نهایتاً در مورد وبلاگ‌های قطب شبکه‌های مختلط با چنین پاسخ‌هایی روبه‌رو می‌شویم:

● وبلاگ‌نویس یک برنامه‌نویس است... مطالب او اغلب حاوی ابزارهای جاوا اسکریپت و دیگر ابزارها و برنامه‌های مرتبط با فضای وب و وبلاگ هستند. در این مورد گمان می‌کنم رژیم سعی دارد دسترسی به برنامه‌های OS را محدود کند.

● یادداشت‌های وبلاگ‌نویس - که مردی مذهبی و جوان است - همگی صرف حمایت از مقوله ازدواج موقت (صیغه) شده است. نویسنده معتقد است که این آیین، در جامعه ایران مورد بدفهمی قرار گرفته و در حال حاضر به عنوان راهی مشروع برای روابط جنسی موقت شناخته شده است. در حالی که در اصل یک سنت حسنه و معتبر اسلامی برای کمک به کسانی است که

* Rupert Murdoch

آمادگی ازدواج دائم را ندارند، تا از این طریق بتوانند با جنس مخالف ارتباط برقرار کرده و نیازهای جنسی مشروع خود را برآورده سازند.

ONi هم‌چنان در حال تحلیل داده‌های مربوط به فیلترینگ سایت‌ها در وبلاگستان ایرانی است. ما نیز در اینجا هیچ نظری درباره فرآیندها و اهداف فعالیت‌های کنونی رژیم در امر فیلترینگ ارائه نمی‌دهیم. تنها به این نکته اشاره می‌کنم که مشاهده حجم وسیعی از مطالب در وبلاگستان ایرانی که در مخالفت با رژیم‌اند و با این وجود، در داخل ایران قابل رؤیت هستند، بسیار مایه شگفتی ما شد. نتیجه آنکه، با وجود سرکوب هرازگاهی وبلاگ‌نویسان، هم‌چنان وبلاگستان ایرانی فضایی مناسب برای بحث و ابراز عقیده درباره مسائل سیاسی و تضارب آرا پیرامون ایدئولوژی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی است. از این منظر، فضای وبلاگستان ایرانی عرصه‌ای مناسب برای گفتمان دموکراتیک در جامعه‌ای است که مشارکت عملی در عرصه سیاسی آن با موانع فراوانی روبه‌رو است.

۷. سیاست و رسانه‌ها در ایران

فضای وبلاگستان ایرانی نمودی از نظام سیاسی "دوگانه" ایران است که در تضادی روشن با محیط رسانه‌ای آن است. نظام سیاسی ایران به لحاظ رقابت موجود بین نخبگان و چنددستگی‌اش اهمیت دارد. کشاورزیان نظام سیاسی ایران را نوعی "حاکمیت تکثریافته" توصیف می‌کند، بدین معنا که نظام حکومت اسلامی پدید آمده در ایران دربرگیرنده اجزایی دموکراتیک است مثل انتخابات نهادهای منتخب مردم از جمله مجلس و ریاست‌جمهوری. اما این ساختارهای دموکراتیک و مشارکت توده مردم در حکومت، تحت‌الشعاع حاکمیت روحانیونی است که تعیین می‌کنند چه کسانی برای کسب مناصب رسمی صلاحیت دارند و بدین ترتیب از طریقی دیگر رقابت‌های سیاسی را محدود می‌کنند. حاکمیت روحانیون در بارزترین شکل خود، در مقام رهبری و شورای نگهبان استقرار یافته، که به عنوان "حافظان احکام الهی" شناخته شده‌اند.^۸ این "حاکمیت دوگانه" بین نهادهای سیاسی مذهبی و نهادهای منتخب مردم، مباحثات فراوانی را پیرامون تفاسیر مختلف از یک حکومت اسلامی در پیش کشیده است، از

۸. آرنگ کشاورزیان / "رقابت بدون دموکراسی: تکثر نخبگان سیاسی در ایران" در "خودکامگی در خاورمیانه: رژیم‌ها و مخالفان"، ویراسته مراشا پریپستین پوسوسنی و میشل پتر آنگریست (Lynne Rienner Publishers, ۲۰۰۵)، ص ۶۴؛ همچنین بابک رحیمی عنوان می‌کند که "از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، ایران دو فضای متفاوت را در حاکمیت سیاسی خود نهادینه کرده است. در یک سو، مجلس و رئیس‌جمهور منتخب مردم قرار دارد و در سوی دیگر نهادهای انتصابی که رکن اساسی‌شان ولایت فقیه است، منصبی که از آن به عنوان نیابت امام مهدی - امام دوازدهم شیعیان - یاد می‌گردد و توسط نیروهای سپاه پاسداران پشتیبانی می‌شود." / بابک رحیمی / "سیاسیت در فضای اینترنت در ایران" در "رسانه، فرهنگ و جامعه در ایران: زندگی در میانه جهانی شدن و حکومت اسلامی"، ویراسته مهدی سمتی (لندن: Routledge, ۲۰۰۸)، ص ۴۴.

جمله اینکه یک حکومت اسلامی باید چگونه باشد، در چه بخش‌هایی باید و در کدام بخش‌ها نباید تغییر کند، و نهایتاً آنکه گستره مناسب نقش اسلام در حکومت کدام است؟ اغلب تعابیر ارائه شده در این زمینه در تضاد و تقابل با یکدیگر قرار دارد.

بسیاری از نظریه‌پردازان عقیده دارند که تکثر میان نخبگان سیاسی و دسته‌بندی بین میانه‌روها و تندروها در یک رژیم خودکامه امری حائز اهمیت است، چرا که نشان‌دهنده ظرفیت‌های گذار سیاسی در آینده آن نظام است.^۹ با این وجود، برخی نیز بر این باورند که تکثر و چنددستگی در میان نخبگان در ایران، این امکان را برای حیات رژیم فراهم آورده تا علی‌رغم تمامی مشکلات پیش روی خود به حیاتش ادامه دهد.^{۱۰} ما به دنبال پاسخی به این فرضیه نیستیم و تنها به بیان این نکته اکتفا می‌کنیم که رقابت و تکثر آرا میان نخبگان در فضای وبلاگستان ایرانی نیز وجود دارد. اگر فرض این باشد که بحث و جدل میان نخبگان سیاسی برای نظام‌های خودکامه مضر است و برای نظام‌های دموکراتیک مفید، این نظریه توسط ترکیب نامأنوس نظام سیاسی ایران، که دربرگیرنده هر دو این ساختارهاست، زیر سوال می‌رود. با در نظر گرفتن به قدرت رسیدن نسل جدیدی از محافظه‌کاران اسلامی (با گرایش‌های تند ایدئولوژیک)، و حضور هر چه بیشتر نسل جدید شهروندان ایرانی در فضای آن‌لاین، می‌توان تعادل و پایداری سیاسی در ایران را با کمک تحلیل بنکلر* در مورد ساختارهای متقابل در عرصه عمومی مورد بازنگری قرار داد. کدام شکل از گفتمان عمومی می‌تواند تأثیر بیشتری بر شکل‌گیری عقاید عموم مردم داشته باشد: گفتمان گسترده آن‌لاین بین افراد یک جامعه یا سیستم متمرکز رسانه‌های همگانی؟

بروز و رشد رسانه‌های اینترنتی از جمله وبلاگ‌ها، سایت‌های خبری، خبرنگاری شهروندی و پایگاه‌های رادیویی آن‌لاین، آشکارا در تقابل با فضای آکنده از سانسور و به شدت کنترل شده جریان اصلی رسانه‌ای در ایران قرار دارد. از بین ۱۶۹ کشور بررسی شده توسط سازمان "خبرنگاران بدون مرز"، ایران مقام ۱۶۶ را از لحاظ آزادی مطبوعات بدست آورد. در این مقایسه ایران پایین‌تر از رژیم‌های خودکامه‌ای مثل برمه و کوبا قرار گرفت و تنها ترکمنستان، کره‌شمالی و اریتره وضعیت ناگوارتری از ایران داشتند.^{۱۱} برای ایرانیان، از میان رسانه‌های همگانی، روزنامه‌ها منابع خبری موثقی‌تری نسبت به رادیو و تلویزیون هستند^{۱۲}، و البته این دو مورد اخیر، به ویژه تلویزیون، به عنوان ابزاری در اختیار حاکمیت و تحت

* Benkler

۹. گیلرمو آ. دونل / گذار از حاکمیت خودکامه: نتایج تجربی از دموکراسیهای ناپایدار / (Johns Hopkins University Press, 1986)

۱۰. کشاورزیان / "رقابت بدون دموکراسی"، ص ۶۵

۱۱. "شاخص‌های جهانی آزادی مطبوعات ۲۰۰۷" / خبرنگاران بدون مرز / قابل دسترسی از طریق آدرس اینترنتی:

http://www.rsf.org/article.php3?id_article=24027

۱۲. حسین شهیدی / "خبرنگاری در ایران" (لندن: Routledge, ۲۰۰۷) ص ۹۶.

کنترل شدید آن شناخته می‌شوند. این روند از زمانی شروع به تغییر کرد که محافظه‌کاران حاضر در قوه قضائیه تصمیم به توقیف روزنامه‌های اصلاح‌طلب گرفتند، روندی که با گذر زمان و بسته‌شدن بسیاری از روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی نزدیک به اصلاح‌طلبان، رو به وخامت گذاشت. مناقشات موجود بر سر مطبوعات در دوران ریاست‌جمهوری خاتمی، از کشاکش ساختارهای دوگانه حاکمیت در نظام حکومتی ایران پرده برمی‌دارد. با این وجود، اگر به واسطه شبکه‌های ماهواره‌ای و تعدادی روزنامه‌های کم‌دوام اصلاح‌طلب، رژیم ایران از حضور یک‌جانبه در عرصه مطبوعات و رسانه‌های همگانی باز مانده است، توجه به این نکته نیز ضروری است که نیروهای محافظه‌کار و طرفدار نظام، به هیچ وجه عرصه رسانه‌های جدید را به نیروهای سکولار و اصلاح‌طلب واگذار نکرده‌اند. محافظه‌کاران مذهبی، همانند بسیاری از نخبگان سیاسی در ایران، حضوری پررنگ در وبلاگستان ایرانی دارند. به عنوان مثال، داشتن وبسایت‌های شخصی به امری رایج در بین سیاستمداران ایرانی تبدیل شده است، که غالباً دربرگیرنده اخبار و اطلاعاتی است که این افراد به واسطه جایگاه خاص‌شان در ساختار حاکمیت، به آنها دسترسی دارند.

وبلاگستان ایرانی نمودی از مناقشات سیاسی و تکثر میان نخبگان در ایران است. به علاوه، وبلاگ‌ها این امکان را به ایرانیان ساکن خارج نیز می‌دهند تا در منازعات سیاسی در ایران شرکت جویند، اگر چه این قبیل مباحثات بیشتر درون‌گروهی، و بین افرادی با دیدگاه‌های نزدیک مطرح می‌شود تا در تعامل با رهبران سیاسی در ایران. فیلترینگ توسط دولت، در کنار دستگیری، ارباب و تبعید اجباری مخالفان و فعالان اصلاح‌طلب، به خاطر فعالیت‌های آن‌لاین‌شان، ظرفیت‌های موجود در فضای وبلاگ‌ها را برای تبدیل شدن به محیطی کاملاً دموکراتیک برای بحث و گفتگو محدود می‌کند. واضح است که بیشترین فیلترینگ در زیرگروه ایرانیان ساکن خارج صورت می‌گیرد.

در وبلاگستان ایرانی، سیاستمداران و مدیران دولتی، آزادانه از احمدی‌نژاد، سایر قوای حکومتی و نهادهای دولتی، و نیز منابع خبری چون شبکه خبر (*IRINN*) و صداوسیما (*IRIB*) انتقاد کرده و در رقابتی حزبی شرکت می‌جویند. اینکه یک سیاستمدار تا چه حدی می‌تواند به انتقاد از دیگران بپردازد، غالباً نشان‌دهنده میزان مشروعیت او نزد دستگاه حاکمیت است که خود تابعی است از عواملی مثل ارتباطات وی با دیگر مسئولان رده‌بالای نظام و نیز نقشش در انقلاب ایران. مانند هر نظام سیاسی دیگر، اصلاح‌طلبان، محافظه‌کاران و دیگر گروه‌های سیاسی ایرانی، در طول زمان با فراز و نشیب در میزان اثرگذاری و مقبولیت خود روبه‌رو می‌شوند. از نظر کشاورزیان، تکثر در میان نخبگان سیاسی در ایران به عنوان یک نظام خودکامه بسیار جالب و منحصر به فرد است. در نظر وی، این پدیده حاصل یک "حاکمیت تکثریافته" است که چنددستگی را در میان نخبگان و رقابت را در عرصه عمومی به وجود آورده و تغذیه می‌کند. ولی البته به نیروهای تندرو این امکان را می‌دهد که بحث‌ها و مناقشات موجود را کنترل کرده، و از این طریق تضمین کند که علی‌رغم درگیری‌ها و منازعات سیاسی، این روند به

سمتی نمی‌رود که منجر به فروپاشی نظام یا گذار به دموکراسی شود.^{۱۳} گزارش‌های اخیر حاکی از کاهش محبوبیت احمدی‌نژاد نزد نهادهای محافظه‌کار قدرت، به ویژه رهبری، هستند.^{۱۴} در واقع انتقاد از احمدی‌نژاد در زیرگروه محافظه‌کاران سیاسی و بلاگستان ایرانی نیز اتفاق می‌افتد، اگرچه بیشتر شبیه انتقاداتی است که از رئیس‌جمهور آمریکا توسط حزب متبوعش صورت می‌گیرد. با این هدف که وی را مجبور به عملکرد بهتر کنند تا محبوبیت حزب را در نزد مردم حفظ کرده و از انتقادات گروه‌ها و احزاب مخالف جلوگیری کند.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

وبلاگ‌ها و دموکراسی در ایران و هر جای دیگر

"مسأله اساسی برای عرصه‌های عمومی، کشف و شناخت خویش است."^{۱۵}

"دموکراسی فراتر از مدل حکومتی است. در درجه اول، دموکراسی گونه‌ای از زندگی جمعی است، نوعی از یک تعامل به هم پیوسته."^{۱۶}

جان دیووی*

از نظر دیووی، مهمترین مسأله در مورد عرصه عمومی در یک جامعه، شناساندن آن به خویش است. وی راه‌حل را تا حد زیادی در اشکال مختلف ارتباط همگانی می‌جست، به ویژه روزنامه‌ها و رسانه‌های تازه پدید آمده الکترونیکی. دیووی یک عملگرا بود، نه اخلاق‌گرایی با دیدی انتزاعی. دغدغه‌های اساسی او معطوف به چگونگی تعامل درونی یک جامعه پیچیده بود؛ اینکه چگونه نیازهای بخش معترض و مخالف یک جامعه در کلیت خود به رسمیت شناخته می‌شوند، تضارب آرا در مورد ارزش‌ها و اولویت‌های یک جامعه از چه طریقی شکل می‌گیرد و دیدگاه‌های مختلف چگونه با هم هماهنگ

* John Dewey

۱۳. کشاورزیان / "رقابت بدون دموکراسی"، ص ۶۴.

۱۴. نازیلا فتحی / "پشتابانی رهبری از مجلس در زمینه اختلاف نظر با احمدی‌نژاد" / نیویورک تایمز، ۲۲ ژانویه ۲۰۰۸.

۱۵. جان دیووی / مجموعه آثار جان دیووی (۱۸۸۲-۱۹۴۵) / نسخه الکترونیک، جلد دوم (۱۹۲۵-۱۹۵۳)، مقالات، "عرصه عمومی و چالش‌های آن"، ویراسته جو آن بویدستون (Carbondale: Southern Illinois University Press, ۱۹۸۰)، ص ۳۵۱/ر.ک.
<http://library.nlx.com.ezp1.harvard.edu/display.cfm?clientID=103106117>

۱۶. همان، جلد ۹ (۱۹۱۶)، "دموکراسی و آموزش"، ص ۹۳/ر.ک.
<http://library.nlx.com.ezp1.harvard.edu/display.cfm?clientID=103105918>

می‌شوند. به طور خلاصه اینکه، یک جامعه چگونه به درکی از "خود" می‌رسد، از اینکه با چه چالش‌هایی روبه‌رو است و به کدامیک از آنها باید بپردازد. در دیدگاه او، سازوکارهای حاکمیت مردم بر خود، از جمله انتخابات و نهادهای منتخب مردم، از آن جهت اهمیت خاص دارند که یک روح و احساس جمعی در جامعه القا می‌کنند که باید از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی تقویت و تحکیم شود. اساس و بنیاد یک دموکراسی در حاکمیت اکثریت نیست، بلکه همان‌طور که دیووی عنوان می‌کرد، در چگونگی تشکیل آن اکثریت است. این نگاه ما را به فرآیندی عملی از شناخت اجتماعی رهنمون می‌سازد. درست است که دموکراسی به صندوق‌های رأی نیاز دارد، ولی در کنار آن نیازمند فرهنگی بالنده در حیطه آزادی بیان و تحمل اعتراضات و صداهای مخالف است. فرهنگی که مبتنی بر پذیرش اصول بنیادین اخلاقی، چون اصل انصاف و عدالت، و نیز احساس سهیم بودن و مسئولیت شهروندی است.

سؤالات مطرح شده در این مورد که چگونه یک "عرصه عمومی" و یا "اجتماعات منفرد" گوناگون در فضای آن‌لاین پدید می‌آیند، از اهمیت ویژه‌ای در مباحث کنونی پیرامون شبکه رسانه‌ای و عرصه‌های عمومی برخوردار است. عرصه عمومی چیست؟ چه چیز مردم را در فضای وب گرد هم می‌آورد؟ رسانه‌های شبکه‌ای چه مواردی از گفتمان‌های عمومی را در بر می‌گیرند؟ و این گفتمان‌های آن‌لاین، چگونه با شکل‌های قدیمی‌تر گفتمان که از طریق رسانه‌های همگانی، نهادهای سیاسی، و گفتگوهای رو در رو بین افراد خانواده، دوستان و آشنایان شکل می‌گرفت، مرتبط‌اند؟ ناظران با دیدگاه‌های مختلف، از "ایده‌آل‌گرا" * گرفته تا "ضد ایده‌آل‌گرا" **، به بحث و تبادل نظر در این زمینه می‌پردازند که آیا شبکه رسانه‌های آن‌لاین باعث اتحاد در سطح جامعه می‌شود یا چنددستگی، مردم را به تحرک اجتماعی وامی‌دارد یا مشارکت‌شان را کاهش می‌دهد، منجر به انسجام بیشتر عرصه عمومی می‌شود یا به گفته تاد گیتلین ***، باعث فروپاشی آن به هزاران هزار ریزعرصه می‌شود^{۱۷}. ایده اصلی شکل گرفته پیرامون این بحث، که یا صریحاً بیان شده و یا به طور تلویحی مورد پذیرش قرار گرفته، این است که در یک محیط آن‌لاین افراد این امکان را دارند که به اطلاعات، اشخاص و یا اتفاقات مورد علاقه‌شان دسترسی پیدا کنند، و در اثر اعمال این سلاقی توسط هزاران کاربر مستقل اینترنت، نوعی پویایی گسترده اجتماعی پدید می‌آید. جدا از گستردگی نوع منابع اطلاعات و روش‌های مختلف تعامل با آنها، روندهای موجود اخیر در زمینه فن‌آوری‌های اینترنت و کاربردهای فرهنگی مرتبط با آنها، ساختار کیفی متفاوتی از فضای عمومی رسانه‌ای را در محیط آن‌لاین به وجود آورده است که در آن، کاربران هم‌زمان هم در ایجاد و شکل‌گیری گفتمان موجود شرکت می‌جویند و هم مصرف‌کننده آن هستند.

* *Utopian*

** *Dystopian*

*** *Todd Gitlin*

۱۷. تاد گیتلین / "عرصه عمومی یا ریزعرصه‌ها؟" در "رسانه، کلیشه‌ها و بازشناسی"، ویراسته ... و جیمز کوران (لندن: *Routledge*

۱۹۹۸)، صص ۱۷۵-۲۰۲.

با استناد به تشبیه دورکهایم* و دیووی، زیرساخت‌های ارتباطاتی، به مثابه شبکه عصبی یک بدنه اجتماعی‌اند، و ویژگی‌های این محیط پیامدهای آشکاری را برای سازماندهی اجتماعی آن بدنه به دنبال دارد. یوخای بنکلیر**، تحلیلی جامع از نحوه تأثیرگذاری فن‌آوری‌های اینترنتی بر زیرساخت‌های کلیدی جامعه، از جمله آنهایی که زیر بنای نگهدارنده "عرصه عمومی" جامعه هستند، ارائه داده است. در نظر وی عرصه عمومی عبارت است از "مجموعه مشخصی از رفتارهای اجتماعی که افراد یک جامعه از خود بروز می‌دهند تا در مورد مسائلی که به نظرشان اهمیتی عمومی دارد و نیازمند عملکرد یا تشخیصی جمعی است، با یکدیگر تعامل کنند"^{۱۸}. از نظر بنکلیر، فن‌آوری و از جمله وبلاگ‌ها، صورتی جدید از رسانه و ارتباطات جمعی را به وجود آورده که ذاتاً دموکراتیک‌تر، فراگیرتر و همگانی‌تر از روش‌های قدیمی تولید و کنترل در رسانه‌های جمعی است. وقتی شکل قدیمی تولید در رسانه‌ها حتی برای لیبرال دموکراسی‌ها هم چالش‌برانگیز بود - به جهت آنکه ابزارهای تولید و پخش به راحتی در اختیار صاحبان سرمایه و یا حاکمیت دولتی قرار می‌گرفت - به طریق اولی به ابزاری قدرتمند در دست رژیم‌های خودکامه تبدیل می‌شد که به راحتی خروجی رسانه‌ها و نقاط تولیدکننده را در اختیار خود می‌گرفتند. بنکلیر بر این باور است که اینترنت این سلطه را کم‌رنگ می‌کند، حتی اگر رژیم‌ها بتوانند رویکردهای پیش‌گیرانه‌ای را نظیر فیلترینگ سایت‌ها و یا پیگرد نویسندگان در پیش گیرند.^{۱۹}

مزیت شیوه ارتباطات شبکه‌ای آن است که با ایجاد جریان‌های چند سویه اطلاعاتی، موجب تغییر در معماری ساختارهای گذشته می‌شود و هزینه‌های بدل‌شدن به یک گوینده را کاهش می‌دهد.^{۲۰} افراد یک جامعه می‌توانند به سازندگان و تولیدکنندگان اطلاعات حوزه سیاسی تبدیل شده و به راحتی در این امور مشارکت جویند. به عقیده بنکلیر، قابلیت‌های اینترنت در دموکراتیزه کردن یک جامعه ناشی از همین خاصیت است. شکل نوین، بسیار گسترده و همگانی اطلاعات که در وبلاگستان و دیگر رسانه‌های جمعی آن‌لاین دیده می‌شود، یک شبکه‌بندی خودنهاد را در عرصه ارتباطات همگانی پدید آورده که در تمایز آشکار با ساختار متمرکز*** قدیمی رسانه‌های همگانی دارد.

به علاوه، در لیبرال دموکراسی‌های کنونی، با بهره‌گیری از عرصه‌های عمومی شبکه‌ای، نقاط کنترل یا تأثیرگذاری شاخص توسط صاحبان رسانه و یا دولت وجود ندارد. این امر موجب دگرگونی در شکل قدیمی تولید در رسانه‌های همگانی شده، به نحوی که آنچه تولید می‌شود کاملاً برخاسته از

* Durkheim

** Yochai Benkler

*** Hub-and-Spoke Architecture

۱۸. یوخای بنکلیر / "ثروت شبکه‌ها: چگونه تولیدات اجتماعی منجر به تغییر در بازارهای اجتماعی و آزادی می‌شوند" (New Haven: Yale University Press, ۲۰۰۶)، ص ۱۷۷.

۱۹. همان، صص ۲۱۲-۲۱۳.

۲۰. همان.

علاقه‌مندی‌های کاربران است. در حالی که در شکل قدیمی، یک محصول رسانه‌ای چیزی بود که باید برای اکثریت تا حدی جذاب باشد، که بتواند بیشترین تعداد مخاطب را جذب کند و حداکثر سود تبلیغاتی را فراهم آورد.^{۲۱} در نظام‌های خودکامه، ارتباطات شبکه‌ای این امکان را به کاربران می‌دهد تا بر کنترل حکومت فائق آیند. به عنوان مثال، رادیو B92 در صربستان، پس از تلاش دولت برای متوقف کردن آن، هم اکنون به راحتی از طریق اینترنت پخش می‌شود. در ایران نیز، کنترل شبکه‌های ماهواره‌ای، ایستگاه‌های رادیویی آن‌لاین، تلفن‌های همراه و سایر ابزارهای اینترنتی، برای دولت اگر نه غیرممکن، بسیار مشکل است. رژیم‌هایی که دسترسی آزاد به اطلاعات را محدود می‌کنند، عموماً متحمل هزینه‌های بالایی می‌شوند. فضای اینترنت به صورت خودبه‌خود باعث ایجاد عرصه‌های عمومی باز و لیبرال در رژیم‌های خودکامه نمی‌شود، ولی عرصه کنترل را بر این دولت‌ها تنگ‌تر و هزینه‌های بیشتری را به آنان تحمیل خواهد نمود.^{۲۲}

این شاید بدان خاطر است که در یک لیبرال دموکراسی، وبلاگ‌ها در مقایسه با دیگر ابزارهای ارتباطی اینترنتی، پایگاه‌های لیبرال بهتری در عرصه عمومی‌اند. بنک‌لر عقیده دارد که برای یک عرصه عمومی لیبرال ایده‌آل، مؤلفه‌های زیر الزامی‌اند: همه‌گیر بودن (همه افراد باید امکان مشارکت و شنیده شدن را داشته باشند)، فیلترینگ برای قابلیت‌بخشی به مطالب مرتبط سیاسی (جداسازی چیزهایی که برای کنش سیاسی با اهمیت‌ترند)، فیلترینگ برای اعتباربخشی (فیلترینگ الزامی برای اعتباربخشی به مطالب که معمولاً توسط روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان حرفه‌ای و یا دیگر نهادها صورت می‌گیرد)، تلفیق "آرای عمومی" به صورتی که در عرصه سیاسی عمل‌پذیر باشد و نهایتاً مستقل بودن از کنترل‌های دولتی.^{۲۳} وبلاگ‌ها هر یک از این شرایط را برآورده می‌سازند.

حتی در یک محیط بسته رسانه‌ای، وبلاگ‌ها توانایی این را دارند که فضایی بازتر از آنچه دولت‌های خودکامه می‌پسندند، برای بحث و گفتگوی سیاسی فراهم آورند. با این حال، اینکه یک وبلاگستان خاص دربرگیرنده یک عرصه عمومی لیبرال باشد، به مقیاس و تعریف ما بستگی دارد. مثلاً، وبلاگستان ایرانی، با شکل ایده‌آل فاصله دارد، چرا که دولت اجازه همه‌گیر شدن آن را نمی‌دهد و از کنترل دولت نیز مصون نیست. وبلاگ‌نویسان دائماً توسط رژیم اذیت و دستگیر شده و برخی وبلاگ‌ها نیز مسدود می‌شوند. البته طبق یافته‌های *ONI** که پیش‌تر به آن اشاره شد، این مقدار فیلترینگ کمتر از چیزی است که معمولاً افراد تصور می‌کنند.

* *OpenNet Initiative*

۲۱. همان، ص ۲۰۵

۲۲. همان، صص ۲۶۶-۲۷۱

۲۳. همان، صص ۱۸۰-۱۸۵

معمولاً عنوان می‌شود که از زمانی که دولت فشار خود را بر وبلاگ‌نویسان تشدید کرده است، مباحث مهم آن‌لاین پیرامون موضوعات سیاسی از وبلاگ‌ها به سمت تالارهای گفتگو سوق پیدا کرده است. از یک نظر این ادعا می‌تواند درست باشد، اما بدون داده‌های تجربی که دربرگیرنده این دوره زمانی باشد، هیچ راهی برای پی بردن به صحت و سقم این ادعا وجود ندارد. گذشته از آن مفهوم عبارت "عمومی"، مفهومی مهم‌تر و کلیدی‌تر در رابطه بین این پژوهش و مفهوم دموکراسی است. در جوامع به شدت سرکوبگر، فضاهایی مخفی پدید می‌آیند که عقاید و نظرات واقعی مردم در آن‌ها امکان بروز پیدا می‌کند، حتی اگر در قالب تعریف‌کردن چند لطیفه هنگام صرف نوشیدنی در سر میز شام باشد. شبکه‌های ارتباطی غیرعمومی معترضین اجتماعی، تاریخی بس طولانی‌تر از پیدایش اینترنت دارند. در مثال‌های متعدد فراوان، از روزگار باستان گرفته تا انجمن‌های مراوداتی در مستعمرات آمریکا و نیز سمیزدات* در بلوک شرق، ایده‌های براندازانه در شبکه‌های زیرزمینی گسترش می‌یافتند که لزوماً اهداف دموکراتیک نداشتند. امروزه در ایران علاوه بر تالارهای گفتگوی آن‌لاین، انواع دیگری از روش‌های غیر آن‌لاین برای تبادل اطلاعات و نظرات به صورت ناشناس وجود دارد. بارزترین شکل آن در فرهنگ "تاکسی‌سواری" در تهران نمود پیدا می‌کند، که در آن افراد غریبه در یک مسیر با هم سوار تاکسی می‌شوند و اخبار سیاسی را همراه با شایعات سیاسی (به طریقی نه چندان متفاوت با وبلاگستان!)، با یکدیگر رد و بدل می‌کنند.

اما وجود فضاهایی عمومی که در آن افراد فارغ از تمایل‌شان برای حضور یا عدم حضور در عرصه سیاسی، امکان دسترسی کم‌وبیش یکسانی به ایده‌ها و عقاید متفاوت داشته باشند، برای یک دموکراسی حیاتی است. وجود یک فضای ارتباطی جمعی بسیار مهم است، وبلاگ‌ها نیز به عنوان رسانه‌ای همگانی خاصیتی دارند که تالارهای گفتگو و دیگر انواع ارتباطی زودگذر اینترنتی فاقد آن هستند. این روش‌ها حتی در زمانی که به صورت کاملاً آزاد در دسترس هستند، ماندگاری در معرض دید بودن‌شان، برای مخاطبین مختلف بسیار ناچیز است. قابلیت دسترسی به یک وبلاگ تحت تأثیر همان عواملی است در سراسر دنیا دسترسی افراد به اطلاعات را محدود می‌کند، از جمله طبقه اقتصادی، تحصیلات و محدودیت‌های اعمال شده توسط دولت. با این وجود، همانطور که در آمریکا و جاهای دیگر مشاهده می‌شود، وبلاگ‌ها به عنوان محملی برای ارتباط دموکراتیک بین افراد از ظرفیت‌های فراوانی برخوردارند. آنها قابلیت‌های خاصی برای انعکاس دیدگاه‌های اقلیت در جامعه، پشتیبانی از جریان‌های اطلاعاتی پدید آمده پیرامون موضوعات عمومی خاص، هدایت فعالیت‌های جمعی، و نهایتاً جلب توجه مردم به اخبار و منابع رسانه‌ای رایج‌تر و نیز سازمان‌های غیردولتی دارند. از آنجایی که وبلاگ‌ها حضوری پیوسته در عرصه عمومی دارند و به دیگر حوزه‌ها و مطالب پیوند می‌دهند، می‌توانند شبکه اجتماعی گسترده‌ای را

* Samizdat؛ فعالیتی زیرزمینی در کشورهای بلوک شرق بود که از طریق آن، آثار ادبی و دیگر منابع رسانه‌ای، در سطح جامعه تکثیر و توزیع می‌شدند. (مترجم)

با اهمیت بالقوه ویژه‌ای به وجود آورند. آنچه در تالارهای گفتگو اتفاق می‌افتد، مانند آن چه در تاکسی‌ها می‌گذرد، به عنوان معیاری برای ارزش‌ها و عقاید اجتماعی اهمیت دارد. ولی اتفاقات مربوط به وبلاگ‌ها در درجه بالاتری از اهمیت قرار دارند. اگر وبلاگ‌ها مانند رسانه‌های همگانی نیستند، با این وجود مجموعه وبلاگستان یک نهاد رسانه‌ای همگانی را پی نهاده که از اهمیتی روزافزون برخوردار است.

ترسیم شبکه اجتماعی و تحلیل محتوایی ما در این پژوهش، در مقایسه با دیگر مطالعات صورت گرفته بر روی وبلاگستان ایرانی، روش نظام‌مندتری را برای بررسی وبلاگ‌ها ارائه می‌دهد. تحقیقات ما نشان می‌دهد که وبلاگستان ایرانی یک شبکه گفتمانی گسترده است، که هم به لحاظ موضوعات مورد بحث و هم از نظر طیف‌های مختلف وبلاگ‌نویسان از غنای خاصی برخوردار است. در ابتدا این باور وجود داشت که وبلاگ‌نویسان، همگی جوانان دموکراتی هستند که منتقد نظام حاکم‌اند، ولی در حین پژوهش به بحث‌ها و گفتگوهایی برخوردیم که دربرگیرنده موضوعاتی از جمله سیاست، حقوق بشر، ادبیات، مذهب و فرهنگ عامه بودند. با در نظر گرفتن فضای خفقان رسانه‌ای موجود و بازداشت‌های مکرر و اذیت و آزار دائم وبلاگ‌نویسان، ممکن است کسی در وبلاگستان ایرانی، انتظار تضارب آرای چندانی را پیرامون موضوعات سیاسی نداشته باشد. ولی با این وجود، گفتمان مخالف و منتقد رژیم گفتمانی قوی است، به ویژه در بین گروه‌های سیاسی موجود در دو قطب سکولار/ اصلاح‌طلب و محافظه‌کار/مذهبی، که در دو سوی تقسیم‌بندی ایدئولوژیک گفتمان سیاسی قرار می‌گیرند. فیلترینگ وبلاگ‌ها توسط دولت، به خصوص در قطب سکولار/ اصلاح‌طلب، از آنچه گمان می‌رفت، کمتر بود.

چندان روشن نیست که در دسترس بودن ۸۰-۹۰٪ از وبلاگ‌ها در ایران، ناشی از عدم تمایل دولت برای مسدود کردن گفتمان مخالف است یا عدم توانایی‌اش. با در نظر گرفتن فضای کنونی سرکوب در عرصه رسانه‌ای در ایران، وبلاگ‌ها بازترین پایگاه ارتباطی عمومی را برای گفتمان سیاسی ارائه می‌کنند. ساختار ارتباطی فردبه‌فرد در وبلاگستان، نسبت به شیوه قدیمی‌تر و متمرکز رسانه‌های همگانی، در برابر کنترل و مصادره شدن توسط دولت از خود مقاومت بیشتری نشان می‌دهد. و اگر نظریه یوخای بنکلر در مورد "عرصه عمومی شبکه‌ای" درست باشد، آن‌گاه مسائل بسیار مهم و برجسته سیاسی و اجتماعی برای ایرانیان، به نحوی در فضای وبلاگستان ایرانی منعکس شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. تحقیقات آتی می‌تواند صحت و سقم این نظریه را مورد کنکاش بیشتری قرار دهد. ولی در هر صورت، سؤال پیش روی ما این نیست که آیا وبلاگستان ایرانی یک "سمیزدات" در برابر "پولتیبوروی" * رژیم به وجود می‌آورد یا خیر، بلکه چالش اصلی ما این است که آیا زیرساخت‌های جدید سیستم عصبی اجتماعی (وبلاگستان) که در حال تغییر فضای سیاسی در آمریکا و سرتاسر دنیاست، عرصه سیاست در ایران را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر. و اینکه آیا می‌تواند آن را از وضعیت کنونی‌اش که ترکیبی

* *Politburo*: عبارتی برگرفته از مفهومی روسی است و به معنای «انجمن‌های اجرائی احزاب» در یک جامعه کمونیست به کار می‌رود. (مترجم)

دوگانه از نظام خودکامه / دموکراتیک است، به سمت لیبرال تری (آزادتری)، اگر نه لزوماً به لحاظ ایدئولوژی سیاسی، حداقل از نظر روند گفتمان اجتماعی موجود سوق دهد.